

Journal Iranian Political Sociology

Vol. 5, No.11, Bahman 2023

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.342547.3466>

A comparative study of the nature of the material element of premeditated murder in Iranian and UAE law

Abstract

The present study seeks to make a comparative study of the nature of the material element of premeditated murder in Iranian and UAE law from the perspective of political geography. Therefore, according to the thematic documents presented in this study, a comparative and descriptive-analytical method has been used by following the cases mentioned in this issue in the books of jurists and texts of Emirati and Iranian law. The findings of this study show that, firstly, in the discussion of jurisprudence and law, it can be said that the material element of murder in law is the act of murder and in Sharia is consistent with the destruction of the human soul, and the causal relationship in law with the relationship between cause and effect corresponds to the act of the perpetrator and the victim, that is, there is no intermediary means of murder between them, which is reflected in the criminal law of both countries according to Islamic law and jurisprudence. The material element of premeditated murder In the law of both countries, it can be concluded that the material element of the crime of premeditated murder is realized in spite of three elements: aggression against the life of the victim, then the death of the victim and finally This issue is related to the material element of premeditated murder in the law of the two countries. Considering that the material element of murder is one of the most important issues in Iranian criminal law, the legislator explicitly states in Article 206 of the Penal Code. Has considered the act necessary to commit the crime of murder. But there is no explanation about leaving the verb.

Keywords: Material Element, Intentional Crime, Intentional Murder, Criminal Behavior, Iranian Criminal Law, UAE Criminal Law

مطالعه تطبیقی ماهیت رکن مادی قتل عمد در حقوق ایران و امارات متحده عربی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۵

موسی یکرنگی^۱

ناصر قاسمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۱

بهباد رضوی فرد^۳

چکیده

پژوهش حاضر در صدد بررسی تطبیقی ماهیت رکن مادی قتل عمد در حقوق ایران و امارات متحده عربی از منظر جغرافیای سیاسی است. از این رو مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این تحقیق، از روش مقایسه ای و توصیفی - تحلیلی از طریق پیگیری مواردی که در این مساله در کتابهای فقهاء و متون قانون اماراتی و ایران ذکر شده است، استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اولاً، در بحث فقه و حقوق موضوعه می‌توان بیان داشت که عنصر مادی جرم قتل در قانون عبارتست از عمل قتل و در شرع با ازبین رفتن روح آدمی تطابق دارد، و رابطه علیت در قانون با ارتباط بین علت و معلولی بین عمل مجرم و شخص مقتول مطابقت دارد، یعنی درین آنها هیچ وسیله واسطه ای در قتل وجود ندارد که این موضوع در قوانین جزائی هر دو کشور با توجه به جنبه شریعت و فقه اسلامی بازتاب یافته است ثانیاً، در راستای رکن مادی قتل عمد در حقوق دو کشور می‌توان نتیجه گرفت که رکن مادی جرم قتل عمدی با وجود سه عنصر محقق می‌شود تعدی و تعرض به حیات و زندگی قربانی، سپس مرگ قربانی و در نهایت ارتباط سببی که اقدام تعرض و تعدی را با نتیجه‌ی این کار مرتبط می‌سازد این مسئله در حوزه رکن مادی قتل عمد در حقوق دو کشور وجود دارد ثالثاً، با مقایسه نظام حقوقی ایران و امارات در خصوص رکن مادی قتل عمد می‌توان به این نتیجه رسید که در نظام حقوقی ایران بر خلاف امارات، با توجه به اینکه رکن مادی قتل از مباحث بسیار مهم در حقوق کیفری ایران می‌باشد قانونگذار به صراحت در ماده ۲۰۶ ق.م.ا. فعل را برای تحقق جرم قتل لازم و ضروری شمرده است. اما در خصوص ترک فعل هیچ تصریحی به میان نیامده است. کلیدواژه‌ها: عنصر مادی، جنایت عمدی، قتل عمدی، رفتار مجرمانه، حقوق کیفری ایران، حقوق کیفری امارات

^۱دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

^۲دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

از زمان شکل‌گیری کمونها و اجتماعات اولیه بشری و تلاش در جهات زندگی جمعی و نیاز بشر به این نوع از سبک زندگی جرم و ارتکاب به آن نیز آغاز گردیده است که در صورت بی‌توجهی به مجرمان و جرمهای مرتکب شده می‌توانست اخلال در نظم، امنیت و حیات بشر در پی داشته باشد لذا از همون آغاز چهارچوب‌های حقوقی در جهت مقابله با این جرایم شکل گرفت تا بشر بتواند به حیات خود در قالب زندگی اجتماعی و مشترک ادامه دهد چرا که در غیر این صورت به علت عدم نظم و امنیت نظام اجتماعی دوام نمی‌آورد و بشر مجبور بود به صورت منفرد زندگی کند و این موضوع با ذات و فلسفه انسان که موجودی اجتماعی بود در تضاد می‌باشد از این رو تمام توجه فلاسفه علم حقوق بر ایجاد قوانین بازدارنده و رعایت عدالت در راستای اقدامات پیشگیرانه، تقنینی و جزائی در حوزه جرائم بوده است اما نکته بسیار مهم در اینجا بحث تنوع و تکثر جرم و قوانین مربوط به آن بوده که بسته به درجه شدت و یا ضعف عواقب آن می‌توانست طیفی از شدیدترین تا ساده‌ترین قوانین جزائی را به خود اختصاص دهد از این رو می‌توان بیان داشت که یکی از موضوعاتی که همواره چه در گذشته و چه در عصر حاضر نظم و امنیت اجتماع را به هم می‌زند و اجرای عدالت را با چالش‌ها روبه‌رو می‌کند قتل عمد است که از دیرباز، از جمله سنگین‌ترین جرائم طبیعی جوامع بشری بوده است و کشورها غالباً شدیدترین مجازات‌ها را برای آن مقرر کرده‌اند اما در اینجا توجه به نکته اصلی در بحث قتل این است که آیا هر جرمی را می‌توان قتل محسوب نمود؟ چرا که در این مسئله بحث اختیار و یا به عبارتی نیت و سوء نیت وارد بحث می‌شود لذا قانونگذاران به تقسیم بندی شرایط قتل عمد در قالب ارکان قانونی، مادی و معنوی مبادرت ورزیدند از آنجا که این رساله درصدد بررسی «رکن مادی» قتل عمد است می‌توان بیان داشت که رکن مادی در قالب کشتن یک انسان در قید حیات نمایان می‌شود و نتیجه حاصله جنایی از این عمل یعنی از بین رفتن روح این شخص و وجود رابطه سببیت بین عمل مجرم و مرگ مقتول و منظور از رابطه علی (سببیت) به معنای پیوند مستقیم و نزدیک نتیجه جنایی با عمل مجرم است. بنابراین می‌توان بیان داشت که اولین عنصر رفتار مجرمانه یا فعالیت مجرمانه است. این رفتار ممکن است مثبت باشد، مانند اقدام به تیراندازی در قتل، اختلاس در سرقت، درخواست یا قبول پیشنهاد و هدیه در جرایم رشوه، و ممکن است منفی باشد، یعنی اینکه جانی از انجام وظیفه قانونی خودداری کند، به عنوان مثال خودداری مادر از بستن بند ناف نوزاد. دومین عنصر از عناصر مادی جرم، نتیجه مجرمانه ای است که در پی رفتار مجرمانه صورت می‌گیرد، مانند مرگ قربانی در جرایم مربوط به قتل یا جراحت وی در جرایم مربوط به ضرب و شتم، و به تصرف در آوردن اموال مسروقه توسط سارق در جرایم مربوط به سرقت. و عنصر سوم، که بصری (شهودی) است، رابطه علیت بین رفتار مجرمانه و نتیجه مجرمانه است، که این نتیجه ثمره آن رفتار مجرمانه است. تئوری‌های زیادی در مورد مسئله رابطه علیت وجود دارد که جای آنها در اینجا نیست، اما مسئله مهمی که در این زمینه وجود دارد، قطع رابطه علیت است. مثال مشهور آن این است که شخصی به قصد کشتن به دیگری حمله کرده و جراحاتی به او وارد می‌کند که منجر به مرگ نشود، سپس قربانی در اثر یک خطای پزشکی در بیمارستان می‌میرد. در اینجا، جانی فقط در مورد اقدام به قتل بازخواست شده و در مورد مرگ از او سوال نمی‌شود، به این دلیل که نتیجه مجرمانه حاصل از فعل او نبوده است، بلکه خطای پزشک باعث قطع رابطه علیت بین فعل و مرگ شده است، و پزشک باید در رابطه با جرم قتل بازخواست شود. این موضوع در قوانین ایران و امارات بازتاب پیدا کرده است عنصر مادی جرم قتل در قانون امارات عبارتست از عمل قتل و در شرع با از بین رفتن روح آدمی تطابق دارد، و رابطه علیت در قانون با ارتباط بین علت و معلولی بین عمل مجرم و شخص مقتول

مطابقت دارد، یعنی در بین آنها هیچ و سیله و سبطه ای در قتل وجود ندارد در حقوق جزائی ایران نیز منظور از عنصر مادی آن است که افکار و مقاصد مجرمانه مرتکب از حالت فکر و تهیه نقشه خارج گردیده و به مرحله عمل درآید و جنبه مادی، واقعی و خارجی به خود بگیرد. به این ترتیب تجلی نیت مجرمانه همراه با ارتکاب فعل یا ترک فعل، ارکان لازم جنایت عمدی را تشکیل می‌دهد. بنابراین شرکت مرتکب در عملیات اجرایی جرم و احراز قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه برای تحقق جرائم عمدی لازم و ضروری می‌باشد موارد فوق نشان می‌دهد که با توجه به اینکه نظام جزائی هر دو کشور منبعث از اسلام و فقه اسلامی است یا به عبارتی دیگر بسیاری از قواعد جزائی در دو کشور از فقه اسلامی اقتباس گرفته شده است این مسئله باعث شده که در حوزه قتل عمد و ارکان آن خاصه رکن مادی شاهد تشابهات فراوانی در این حوزه باشیم هر چند که از حیث فقه اهل سنت و تشیع تفاوت‌های مشاهده می‌شود این موضوع در حوزه قوانین موضوعه جزائی در دو کشور نیز بازتاب اساسی داشته است از این رو و در راستای تبیین اهداف، سوالات و فرضیه‌های این رساله به دو فصل کلی و چهار بخش به شرحی که در ادامه خواهد آمد سازماندهی شده است. فصل اول با عنوان « مفاهیم و مبانی قتل عمد » به دو بخش با عناوین « مفهوم شناسی و اصلاح شناسی قتل عمد » و « بررسی ارکان قتل عمد شرع » تقسیم شده است که تلاش می‌شود مبانی نظری در دو بخش مفهوم شناسی قتل عمد و ارکان آن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد لذا در این راستا ضمن تعریف قتل، انواع آن، بررسی آن از منظر فقه و حقوق در ادامه ارکان آن از دیدگاه شریعت اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد هدف از بررسی این فصل ایجاد مقدمه و مدخلی برای ورود به بحث اصلی و درک در ست از فصل دوم در قالب « بررسی تطبیقی رکن مادی قتل عمد در امارات و ایران » است که به دو بخش « رکن مادی قتل عمد، اهمیت و ابعاد آن » و « مقایسه رکن مادی قتل عمد در حقوق ایران و امارات » تشکیل شده است در این فصل ابتدا به بررسی خود رکن مادی قتل عمد، تعریف، ابعاد، اهمیت و ویژگی‌های آن پرداخته می‌شود و در ادامه نیز تلاش می‌شود رکن مادی قتل عمد در ایران و امارات به صورت جداگانه مقایسه شود و از مقایسه این دو نتایج پژوهش در قابل نکات اشتراک و افتراق قتل عمد در قوانین جزائی دو کشور ارائه گردد و با نتیجه گیری از بحث و ارائه راهکارهای پیشنهادی رساله به اتمام رسانیده شود.

بیان مسئله

از دیرباز، قتل عمدی از جمله سنگین ترین جرائم طبیعی جوامع بشری بوده است و کشورها غالباً شدیدترین مجازات‌ها را برای آن مقرر کرده اند. قتل نفس از بزرگترین صدمات بدنی است که علیه بشر اتفاق می‌افتد و از جمله جرایمی است که همیشه منفور بوده و از قدیم الایام، بشر در مقابل قتل واکنش و عکس العمل شدیدی نشان داده است. علمای حقوق کیفری وقتی جرم را بر مبنای شدت و ضعف طبقه بندی می‌نمایند، قتل در صدر آن قرار می‌گیرد. از این رو از قدیم الایام در نظام های حقوقی مختلف مجازاتهای سنگینی برای مرتکبان این دسته جرایم پیش بینی شده است (مرادی، شهبازی، ۱۳۹۴: ۴۳-۴۴) اما بر اساس مطالب فوق این موضوع مطرح می‌شود که آیا هر عملی قتل محسوب می‌شود؟ آیا هر عملی جرم به حساب می‌آید؟ از این رو حقوق دانان و قوانین کشورهای

تعریف و ارکانی برای جرم در نظر گرفته اند. از این رو می توان بیان داشت که به لحاظ حقوقی برای آنکه فعل انسانی جرم به شمار آید باید؛ نخست، قانونگذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی)؛ دوم، عمل یا ترک عمل مشخص به منصفه ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی)؛ سوم، با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی یا معنوی)؛ عنصر مادی جرم یعنی جرم باید فعلیت یابد و وجود خارجی پیدا کند و صرف تصور و اراده‌ای که فعلیت نیافته و یا تهیه مقدمات ارتکاب آن، جرم محسوب نمی شود. اصول اخلاقی، افکار پلید و قصد مجرمانه را مورد نكوهش قرار می دهند، ولی حقوق جزا که هدف اصلی آن دفاع از اجتماع است، فکر و اندیشه ضداجتماعی و همچنین تصمیم به ارتکاب جرم و حتی تهیه مقدمات آن را مجازات نمی کند، زیرا چنین اندیشه و تصمیمی نظم اجتماعی را به هم نمی زند. حقوق جزا، وقتی اندیشه و تصمیم را مورد مجازات قرار می دهد که به وسیله اعمال مادی و خارجی ظهور یافته باشند. (افراسیابی، ۱۳۷۴: ۲۶۷) در واقع، برخلاف اخلاق که قواعد آن ناظر بر وجدانها است و هرگونه پندار زشت و ناپسند را محکوم می کند، حقوق کیفری متضمن اصولی است حاکم بر رفتار انسانها و توأم با تضمینهایی که حافظ جامعه بشری است. حقوق جزا پندار نکو یده و قصد سوء را تا زمانی که مادّتا به منصفه بروز و ظهور نرسیده است، مجازات نمی کند؛ چرا که قصد سوء تا وقتی که انسان برای واقعیت بخشیدن به آن جازم نیست، خطری برای نظم اجتماعی در بر ندارد. بنابراین شرط تحقق جرم آن است که قصد سوء با ارتکاب عمل خاصی به مرحله فعلیت برسد. (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۲۰) بنابراین در یک جمع بندی از بحث می توان بیان داشت که هر قتلی دارای ارکانی است و این ارکان عمدتا در تمام نظام های حقوقی پذیرفته شده اند گرچه تفاوت هایی در نحوه جرم گذاری یا بعضا مصداق آنها وجود دارد.

در قانون ایران بعد از استقرار قانون از عصر مشروطه تا کنون، همواره، عمد در جنایت و به ویا عمد در قتال، ضابطه اصلی جنایات عمدی محسوب شده است. در حقوق ایران، قتل به عمد و غیرعمد تقسیم می شود. به این صورت که قانونگذار ایران به تبعیت از نوشته های فقهی، ابتدا در ماده ۲۰۴ ق.م.ا قتل را به سه نوع تقسیم کرده است که عبارتند از عمد، شبه عمد و خطای محض. که مصداق قتل عمد در ماده ۲۰۶ قانون مذکور، بیان شده و ماده ۲۹۵، موارد قتل غیرعمد (شبه عمد و خطای محض) را ذکر کرده است. ملاک عمدی بودن قتل در حقوق ایران، در ماده ۲۰۶ ق.م.ا آورده شده است که قبلا" این ماده را بیان کرده ایم. در مقابل، قتل غیرعمد، متنوع و متعدد است. اگرچه قانونگذار در ماده ۲۰۴ در مقام بیان انواع قتل، فقط به دو نوع از قتل های غیرعمدی اشاره کرده است در ماده ۴۲ قانون مجازات اصلاحی آمده است اشاره به مستند بودن عملیات اجرائی به آنها دارد اگرچه در ماده مذکور به نحو روشن و صریح ذکر نگردیده است در این رابطه نظر مخالفی نیز وجود دارد که بیان می شود: قانونگذار مداخله در عملیات اجرائی را برای تحقق شرکت در جرم لازم و ضروری می داند به این معنی است که انجام عملیات اجرائی خواه مستند به عمل شرکاء باشد و یا یکی از آنها، یا اثر کار آنها بطور متفاوت باشد یا مساوی، شریک در جرم محسوب می شوند. (شامبیانی، ۲۰۵) این موضوع در کشور امارات نیز مطرح بوده و قوانین جزایی این کشور جرم و

۱ - ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۸۱۱، بند الف ماده قانون حدود و قصاص مصوب ۸۳، بند الف ماده

۱۳. قانون مجازات اسلامی مصوب ۸۳۱، بند الف ماده ۱۱ قانون مجازات

عناصر آن را تقسیم بندی نموده و به ابعاد مختلف آن توجه نموده اند در قانون امارات اصل این است که هر جرمی از سه رکن تشکیل می شود: رکن قانونی، رکن مادی و رکن معنوی اگر یکی از آنها کنار گذاشته شود، این عمل غیرمجرمانه محسوب می شود، همانطور که در قانون برای برخی از جرایم قصد و غرض خاص لازم است.

قانونگذار اماراتی در قانون مجازات این مسئله را ذکر نکرده است، بلکه این موضوع را به قانون معاملات مدنی امارات ارجاع داد، جایی که در ماده (۷۱) قانون مامعلات مدنی امارات بدان تصریح شده است: «شخصیت انسان با زنده متولد شدن او آغاز می شود، و با مرگ وی به پایان می رسد»، بنابراین می توانیم بگوییم که جنین هنگام زنده متولد شدنش ویژگی یک انسان را بدست می آورد؛ یعنی از لحظه ای که از بدن مادرش جدا می شود، اما قبل از جدایی، این جرم دیگری است که عناصر آن در قانون است.

منظور از رکن مادی جرم، آنگونه که در ماده (۳۱) قانون مجازات فدرال و اصلاحات آن بیان شده، به معنای هرگونه فعالیت مجرمانه با ارتکاب عمل یا ترک فعل است، هر زمان که چنین ارتكابی یا ترک فعلی از نظر قانون جرم باشد و اما منظور از رکن معنوی جرم، مطابق ماده (۳۸) قانون مجازات فدرال، عمد یا اشتباه است. عمد، جهت گیری اراده مرتکب (جنایتکار) به سوی ارتکاب فعل یا ترک آن است، زمانی که این دو از نظر قانون جرم شناخته شده باشند، و این امر به دلیل وقایع ناشی از پیامد مستقیم یا پیامد مجرمانه دیگری است که جنایتکار انتظار دارد بنابراین در تحلیل نهایی می توان بیان داشت که قانون مجازات امارات متحده عربی، جرایم مرتبط با زندگی و سلامت و امنیت فرد را در یک فصل از قانون که متشکل از سیزده ماده مربوط به جرم انگاری و تعیین مجازات برای اعمال مجرمانه ای که بر زندگی و امنیت فرد تاثیر می گذارد، اختصاص داده است. در مورد موضوع قتل، قانونگذار در ماده ۳۳۲ قانون مجازات امارات متحده عربی شماره ۷ سال ۲۰۱۶ مجازات قتل عمدی را مشخص کرده و گفت:

۱- هرکس که عمداً کسی را بکشد به حبس ابد مجازات خواهد شد.

۲- در صورتی مجازات اعدام در نظر گرفته می شود که قتل با پیگیری و انتظار انجام شود یا تداوم و اصرار از قبل بر آن باشد، یا اینکه همزمان و یا در ارتباط با جرمی دیگر باشد، و یا اینکه علیه یکی از بستگان جنایتکار، و یا علیه یک کارمند دولتی یا علیه یک شخصی که به وظیفه ای عمومی گمارده شده، چه در حین انجام وظیفه و یا به دلیلی و یا در ارتباط با انجام وظیفه یا خدمت خود، رخ داده باشد و یا در صورت استفاده از ماده ای سمی یا منفجره در این کار است.

۳- اگر اولیای دم در هر مرحله از مراحل دادخواست یا قبل از اتمام اجرای آن، از حق قصاص خود گذشتند، مجازات حبس به مدت حداقل هفت سال در نظر گرفته خواهد شد.

لذا در مقایسه نظام قضایی ایران و امارات در راستای ارکان قتل عمد می توان بیان داشت که گرچه حقوق ایران در بیشتر موارد به ویژه در خصوص مجازات در حوزه قتل عمد و توجه به ارکان آن قوی تر و بسیار مستحکم تر از حقوق امارات است اما قانون جزای امارات توجه ویژه ای به کلیه جرایم خاصه قتل عمد و رکن مادی آن دارد که جای بسیاری از مواد آن در قانون مجازات اسلامی ایران خالی است. علاوه بر آن در مقایسه میان دو نظام حقوقی

۲- «عنصر مادی این جرم شامل فعالیتهای مجرمانه با ارتکاب یا پرهیز از یک عمل است، هر زمان که ارتکاب چنین کاری یا نادیده گرفتن توسط قانون جرم باشد»

ایران و امارات قابل ذکر است که جهت اجرای بیشتر عدالت شایسته است که قانونگذار ایران نیز با جرم انگاری دقیق تر و تفکیک اقدامات علیه عدالت قضائی، بر ضرورت رفع موانع اجرای عدالت، در حوزه قتل عمد بیش از پیش تاکید نماید. از این رو این رساله تلاش دارد تا اولاً، ارکان قتل عمد را به صورت کلی مورد بررسی قرار دهد، ثانیاً، قتل عمد در ایران و امارات و نقش سه رکن مادی، قانونی و معنوی را مشخص نماید و در نهایت راهکارهای حقوقی در جهت برطرف نمودن ضعف های حقوقی در ایران در راستای مجازات قتل عمد ارائه دهد.

پیشینه پژوهش

الف- مقالات

فاطمه رضایی زارچی؛ سید احمد میر خلیلی (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان: «**اثر قصد در قتل عمد**» بررسی می کنند که قتل عمد یکی از شدیدترین جرائم جامعه بشری است که روز بروز گستردگی بیشتری می یابد. این تحقیق به منظور بررسی اثر قصد در تحقق قتل عمد به واکاوی مستندات فقهی پرداخته است؛ و چون عمده دلیل در مباحث کیفری ادله نقلی است و جنبه تبعدی بر سایر جنبه ها غلبه دارد؛ ادله روایی بصورت خاص مدنظر قرار گرفته است. براساس یافته های پژوهش حاضر در صورت اثبات قصد قتل، عمد خاص صورت می گیرد که علاوه بر تقصیر عام، محکومیت او به قصاص قطعی است؛ ولی در صورتی که قصد قتل برای قاضی احراز نگردد و تنها نشانه عمد بودن، استفاده از آلت قتاله باشد؛ هرچند تقصیر به جهت استفاده از آلت قتاله ثابت است ولی این عمد عام حکم قصاص در پی ندارد و روایتی که مستند حکم به قصاص واقع شده، اضافه بر ضعف سندی از نظر دلالت نیز معارض دارد؛ و با سایر روایات و اصل احتیاط حاکم بر دماء مغایر است. بنابراین نمی توان در مورد عمد عام، حکم قصاص را اثبات کرد هرچند تقصیر و مجرم بودن فاعل، قطعی است.

عباس محمد خانی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان: «**تأملی نو بر تعریف فعل مادی و غیرمادی در قتل عمدی**» نگارنده ابتدا بررسی می کند که در تحقق قتل عمدی با فعل، تردیدی وجود ندارد. فعل مجرمانه در قتل عمدی نیز در ادبیات حقوق کیفری ایران به فعل مادی و غیرمادی تقسیم می شود؛ بدون آنکه تعریف و معیار دقیقی برای این دو عنوان و تمیز آنها از هم وجود داشته باشد؛ به طوری که برخی افعال منجر به مرگ، در هیچ-یک از تقسیم بندی افعال قرار نمی گیرد. ، در این مقاله پس از تعریف فعل مادی و غیرمادی و تفکیک آنها از هم، سعی شده در تقسیم بندی نوع فعل به مادی و غیرمادی، ماهیت فعل ارتكابی صرفنظر از نتیجه، مورد توجه قرار گیرد و برخورد یا عدم برخورد به جسم قربانی و صدمات مادی و معنوی تنها در تقسیم بندی فعل مادی لحاظ شود.

ملکی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان: «**عنصر مادی ترک فعل در قتل عمدی**» بررسی می کنند که جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد در تمامی جوامع از جرایم مهم و همچنین خشونت بار تلقی می شود که متناسب با نوع جرم انجام شده مجازات نیز برای آن در نظر می گیرند و در بسیاری از این جوامع سنگین ترین مجازات ها برای همین نوع جرایم انتخاب می شود. قتل عمدی یکی از شدیدترین جرم ها علیه تمامی جسمانی انسان می باشد که برای انتساب قتل عمد عناصری همانند عنصر قانونی، مادی و روانی مورد نیاز است. پژوهش حاضر تحت عنوان عناصر مادی ترک فعل در قتل عمدی با روش توصیفی تحلیلی با استناد به مطالعات کتابخانه ای ابتدا در مقام بیان چگونگی انتصاب جرم قتل عمد و سپس عناصر ترک فعل در -قتل عمد و همچنین روابط سببیتی ترک فعل و قتل عمد می پردازد و در آخر

هم موارد انتساب قتل عمد به شخص و چگونگی تسری آن موارد به تارک فعل در قانون مجازات اسلامی ایران می پردازد.

خالقی و رجب (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان: «**تحلیل معیار نوعی در عنصر روانی جرم قتل عمدی، مطالعه تطبیقی**» نگارندگان بررسی می کنند که از وجوه تمایز مسئولیت مدنی و کیفری، شرطیت عنصر روانی در اثبات عناوین مجرمانه است؛ تا آن جا که گفته میشود اصل بر عمدی بودن جرایم است و خلاف آن محتاج تصریح دانسته می شود. فرد اجلای این امر، خصوصاً در نظام کیفری ایران، قتل عمدی است. نگارندگان در این مقاله، تلاش کرده تا نشان دهد که در قوانین فعلی، گذشته از ابهامات نصوص قانونی و تردیدهای رویه قضایی، قانونگذار ایرانی، ترکیبی از هر دو معیار را اتخاذ نموده است. میان مرحله ثبوت و اثبات خلط شده است و در مقام تفسیر، حکم عمل نوعاً کشنده در قتل را باید ناظر به مرحله اثبات دانست و نباید در مرحله ثبوت دخالت داد نگارندگان در جهت تبیین بهتر بحث، مطالعه تطبیقی رویه معمول در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا و انگلستان مورد توجه قرار گرفته است.

مرادی و شهبازی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان: «**عنصر معنوی قتل عمدی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**» مقاله حاضر ضمن تبیین عنصر معنوی قتل عمد، علم و اراده را به عنوان مهمترین و مبنایی ترین اجزاء عنصر معنوی قتل عمدی و نیز جایگاه و نقش علم و اراده در تحقق قتل عمدی و شقوق مختلف آن را تحلیل می نماید. مقاله نتیجه گیری می کند که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگرچه در مقایسه با قوانین قبلی از نوآوری هایی برخوردار است، ولی همچنان با کاستی هایی روبه روست و ضرورت توجه به ترک فعل در قتل عمد، تصریح بر قصد فعل واقع شده بر مجنی علیه به عنوان احراز عمد در جنایت، ضرورت توجه به ارادی بودن رفتار مرتکب در جنایت قتل عمد و نیز ضرورت تفکیک بین قتل با سبق تصمیم و قتل بدون سبق تصمیم از جمله مسائلی است که باید درباره آنها چاره اندیشی شود.

شاکری و مرادی کندلاتی (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان: «**بررسی امکان ارتکاب قتل عمدی از طریق ترک فعل در فقه و حقوق کیفری ایران**» بررسی می کنند که ترک فعل منتهی به سلب حیات از دیگری اعم از آنکه انجام آن، وظیفه تارک بوده یا نه، در هر دو حالت با شرایطی در قوانین کیفری ایران جرم است. نگارندگان تلاش دارند تا با بررسی متون حقوقی موجود در این زمینه قتل عمدی را در حقوق و فقه ایران مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.

کاترین الیوت و فرانسس کوئین (۱۹۶۶) در مقاله ای با عنوان: «**قانون کیفری**» معتقدند که تنها در صورتی می توان یک فرد را مجرم نامید که دو عنصر وجود داشته باشد: عنصر مادی جرم و عنصر ذهنی جرم. نگارنده گان در ادامه به بررسی تفاوت میان این دو عنصر پرداخته و معتقدند که این دو مفهوم بیش از یک گناه اخلاقی را شامل می شود و هر یک از این دو مفهوم معنای مشخصی دارد؛ این دو مفهوم بر اساس جرم مرتکب شده معنای متفاوتی دارد، نگارنده گان در مقاله خود به این نتیجه می رسند که؛ یک فرد زمانی مجرم شناخته می شود که علاوه بر انجام جرم در جهان واقع، از نظر ذهنی نیز از انجام آن جرم (رفتار) آگاهی کامل داشته باشد. تنها یک استثنا در این خصوص وجود دارد: جرایمی که دارای مسئولیت سنگین هستند؛ در ادامه این مقاله به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت. از سوی دیگر نیز تعقیب یک فرد در صورتی امکان پذیر خواهد بود که وجود این دو عنصر برای دادگاه و قاضی به اثبات برسد. اگر شرایط فوق محقق نشود، فرد از آن جرم مبرا خواهد شد؛ همانطور که در قانون انگلیس تصریح شده است افراد تا زمان اثبات جرم بی گناه محسوب می شوند.

نبی پور (۱۳۹۲) در رساله دکتری با عنوان: "درجه بندی کردن عنصر روانی در قتل مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلستان و فرانسه" معتقد است یکی از مهمترین اهداف حقوق جزا، احقاق حق، استقرار نظم و اجرای عدالت می باشد. صاحبان مکاتب و اندیشه های کیفری برای نیل به این اهداف، اصول مهم و ابزارهای گوناگونی مانند؛ اصل تساوی مجازتها، اصل تناسب جرم و مجازات، اصل فردی کردن مجازتها، پرونده شخصیت، تدریجی کردن مسئولیت کیفری و کیفرهای استحقاقی را پیشنهاد داده اند. نگارنده در این رساله با الهام از تفکر فازی در علم ریاضی به تجزیه و تحلیل عنصر روانی قتل پرداخته و برای آن درجاتی را پیشنهاد داده است. هدف عمده تحقیق وی اثبات قابلیت تجزیه پذیری عنصر روانی قتل و تبیین باور درجه بندی در نظام کیفری، صرف نظر از نوع کیفر بوده است.

مطهره اسمعیل زاده آرابی (۱۳۹۱) در رساله ای با عنوان: «بررسی معیارهای تشخیصی قتل عمدی در حقوق کیفری ایران و فقه اسلامی» به این موضوع می پردازد که قتل یک پدیده هولناک در جامعه بشری می باشد که با توجه به ازدیاد آن عوامل مختلفی از جمله اجتماع، خانواده، مسائل اقتصادی و ... ممکن است در بروز این جرم نقش داشته باشند موضوع مورد بحث جرم قتل عمدی است و نحوه تشخیص آن. نگارنده در ادامه پرسش های به شرح زیر مطرح می کند که: بحث مهم در اعمال مجازات در قتل، رکن روانی آن است و اینکه قاتل آیا با قصد قبلی یا با اعمال عمل نوعاً کشنده دست به ارتکاب جرم زده است یا خیر؟ و اگر غیر از این باشد دیگر نمی توان وی را مشمول مجازات سنگین قصاص نمود که با توجه به شدت و سخت بودن مجازات قصاص ما با دو مسأله رو به رو هستیم. از طرفی باید با شخصی که دست به قتل زده است برخورد نماییم و از طرفی با این نکته رو به رو هستیم که آیا حقیقتاً قتل واقع شده عمد است یا خیر؟ از همین جا اهمیت رکن معنوی جلوه گر می شود که هم مورد توجه فقهاست و هم حقوقدانان.

تعریف مفاهیم

قتل: واژهی قتل معادل Homicide (به معنای آدم کشی، قتل، قتل نفس) قرار می گیرد این لغت واژهی فراگیری است که همهی قتل های غیرقانونی اعم از قتل عمد و قتل غیرعمد را در بر می گیرد. قتل دارای چندین گونه است که هر کدام از آنها شرایط و احکام ویژه خود را دارند و نمی توان به طور کلی از احکام قتل سخن گفت و عنا صر قتل را یک جا بررسی کرد. بلکه، باید این مسئله را در رابطه با نوع قتل بررسی کرد. (سپهوند، ۷۶-۷۵: ۴۵) «قتل و مرگ از نظر نتیجه یکسان هستند یعنی نتیجه هر دو صورت متوقف شدن اعمال حیاتی در انسان است. مرگ به توقف کامل و بی بازگشت اعمال حیاتی گفته می شود.» (زراعت، ۸۱: ۲۲)

قتل عمد: «قتل عمد جرمی است که شخص عاقل و بالغ با اراده و قصد قتل مرتکب آن شود و نتیجه مجرمانه آن را خواستار است.» (فیض، ۱۳۶۴: ۲۱۶) تعریف دیگری که از قتل عمد از سوی برخی از حقوقدانان ارائه شده به این صورت است: رفتار بدون مجوز قانونی عمدی و آگاهانه یک انسان به نحوی که منتهی به مرگ انسان دیگری می شود. (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۱۸)

عنصر مادی جرم: یعنی جرم باید فعلیت یابد و وجود خارجی پیدا کند و صرف تصور و اراده ای که فعلیت نیافته و یا تهیه مقدمات ارتکاب آن، جرم محسوب نمی شود. (افراسیابی، ۱۳۷۴: ۲۶۷)

بررسی تطبیقی رکن مادی قتل عمد در امارات و ایران

همان گونه که در فصل اول به آن اشاره شد قتل عمد همواره در کانون توجه علم حقوق خاصه جزا و جرم شناسی قرار دارد چرا که قتل نفس بسیار مهم و توأم با پیامدهای فراوانی برای جامعه می‌تواند باشد این پیامدها سبب شده تا هم ادیان، هم مکاتب مادی و هم حقوق موضوعه به آن حساسیت نشان داده و به شدت احکام سفت و سختی در این راستا وضع نمایند این مسئله در حقوق امارات و ایران نیز بازتاب یافته است از این رو در این فصل تلاش می‌شود تا قوانین هر دو کشور در خصوص قتل عمد با تاکید بر رکن مادی قتل عمد مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد این مقایسه بسیار حائز اهمیت است چرا که هر دو کشور اسلامی بوده و فقه اسلام و قوانین شریعت از جمله منابع حقوقی آنها به حساب می‌آید.

اهمیت رکن مادی جرم

با نگاهی به تاریخ حقوق کیفری ملاحظه می‌شود که واکنش نسبت به بزه در دوران مختلف ناشی از اهمیت ارزشهای هر جامعه می‌باشد. بطوری که از حیث تاریخی می‌توان سزادهی و مکافات عمل را فلسفه‌ی ضروری واکنش نسبت به بزه بیان کرد در دوران بعدی ارزش‌های عمومی جای خود را در بیان واکنش نسبت به بزه باز می‌نماید و تا دوران معاصر که واکنش به بزه با توجه به حمایت از بزه دیده و جامعه به همراه مکافات عمل و پیشگیری از جرم مورد توجه قرار گرفته است. اما آنچه با ملاحظه در تاریخ حقوق کیفری می‌توان دید این امر می‌باشد که واکنش نسبت به بزه اولین شرط ضروری اش وجود عمل بزهکارانه است. وجود این امر، عمل بزهکارانه، را در ابتدای واکنش نسبت به جرم و بزه در جوامع ابتدایی نمود بسیار پررنگی داشته است؛ زیرا در آن زمان بحث سرزنش بودن رفتار، مطرح نبوده است و وجود عینیت یافته‌ی قصد مجرمانه اهمیت اساسی داشته است. بطوری که در جوامع ابتدایی اهمیت رفتار مرتکب هسته‌ی اصلی واکنش نسبت به بزه بوده است. از حیث تاریخی نیز جرم انگاری براساس یک رفتار زیان بار مقدم بر، تجریم بر پایه‌ی سوء نیت و قصد سرزنش آمیز مورد توجه بوده است. در جوامع ابتدایی غالباً به رفتار و نتیجه‌ی آن، نسبت به قصد و نیت شرارت آمیز، توجه بیشتری صورت می‌گرفته است. به همین خاطر نیز مشاهده می‌شود که در گذشته‌ی نه چندان دور در برخی جوامع کودکان و افراد نابالغ را محاکمه و مجازات می‌نمودند و حتا در برخی جوامع برای حیوانات نیز مجازات تعیین می‌کرده‌اند.^۳

این امر گرچه بدیهی است در آن دوران صحبتی از رکن مادی نبوده است اما نوع بشر وجود یک رفتار و بتبع آن بروز عمل مادی را که در عالم خارج تحقق یافته باشد را به عنوان معیار اصلی جهت جرم و مجازات، مورد توجه قرار داده است. این معیار اگر چه با پیشرفت جوامع نسبت به وجود مسئولیت اخلاقی و کیفری در انسان، و وجود انسان

^۳ هاشم معروف الحسنی، المسئولیه الجزاءیه فی الفقه الجعفری، الطبعة الثانی (بیروت: دارالمعارف، للمطبوعات، ۱۴۰۷)، ص ۱۲

مسئول که موضوع جرم و مجازات است رابعنوان تنها عامل یگانه ی واکنش کیفری از دست داده است؛ اما همچنان دارای اهمیت ویژه است و وجود آن برای تحقق بزه بدیهی و مشخص می باشد.

اصولاً فلسفه ی وجودی حقوق جزاء را می توان تاسیس ضمانت اجرا های کیفری برای حمایت از ارزش های اساسی و مورد حمایت در جامعه ذکر کرد. ارزش هایی چون آزادی، امنیت، حفاظت از جان و مال افراد، عفت و اخلاق عمومی و نظم اجتماعی... که هر جامعه متنا سب با ارزش ها و باورهای خود سعی در حمایت از آن ها دارد و مطابق با اهمیت هر یک از آن ها استفاده از واکنش های کیفری متناسب را در نظر گرفته است و براساس این هنجارها و ارزش ها به جرم انگاری پرداخته است.

هدر دادن و تجاوز به این ارزش ها اصولاً نیازمند رویدادی مادی است که می بایست عامل مادی و عینی آن را بوجود آورده باشد و همین امر است که باعث می شود نسبت به قصد و نیت شریرانه، هر چقدر هم خطرناک باشد، جرم انگاری و مجازات صورت نگیرد. همین امر اهمیت و ارزشمندی رکن مادی جرم را نشان می دهد بطوری که اصولاً عامل اساسی جرم انگاری و مجازات ارتکاب یک رویداد مادی است و بدون تحقق چنین امری صحبت از جرم و مجازات بی فایده می باشد. البته در کنار تحقق رفتار خارجی برای تحقق جرم نیازمند این هستیم که رفتارهای خاصی قبلاً مورد تجریم واقع شوند.

از زمانی که نظام های مدون قانونی از قرن هفدهم میلادی رو به گسترش نهادند در اواخر قرن هیجدهم کم کم حقوق دانان کیفری به اهمیت وجود نظام های مدون قانونی برای بیان جرم و مجازات پی بردند و تلاش کردند که تا تحلیلی عام و در عین حال منسجم از ماهیت جرایم ارتكابی ارایه دهند.^۴ یکی از این تلاش ها صورت بندی ارکان تشکیل دهنده ی جرم بوده است، رکن قانونی منبع رسمی توصیف یک رفتار در قالب جرم، رکن مادی نماینده ی رفتار زیان بار و رکن معنوی به عنوان نماینده قصد مجرمانه مورد توجه شده اند.

در تعریف جرم در هر جامعه ای رکن مادی و بعبارتی رویداد خارجی شرط و عامل اساسی تحقق جرم است. با نگاهی به قوانین کشورهای مختلف از جمله ایران مشاهده می شود که در تعریف جرم، وجود رفتارهای خارجی شرط ضروری و حتمی تحقق جرم می باشد. بطوری که در شکل گیری و اهمیت جرم یکی از ارکان اساسی و مهم آن وجود رفتارهای خارجی خاصی است که بر مبنای هنجارها و ارزش های جامعه گزینش و اعلام شده اند. بطور مثال قانون گذار ایرانی در ماده ی ۲ قانون مجازات اسلامی جرم را عبارتست از «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد» دانسته است که نشان دهنده ی ضرورت وجود رفتارهای خارجی خاصی در تحقق و شکل گیری جرم می باشد. بطوری که در کنار هنجارها و ارزش های مورد حمایت حکومت که در مجموعه ای بنام قانون تدوین شده است، وجود و احراز رفتارهای خارجی، نقش اساسی و مهم در تعریف مجرم در هر جامعه دارد. از سوی دیگر اشتراط رکن مادی جرم با اقتضائات سیاست کیفری ارتباط دارد و علت آن تلاش برای پاسداری از آزادی افراد جامعه است.^۵

^۴ در این زمینه ر. ک. علیرضا فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی، چاپ پنجم (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹) ص ۹۳

^۵ محمود نجیب حسنی، رابطه ی سببیت در حقوق کیفری، ترجمه سید علی عباس نیای زارع (مشهد: دانشگاه علوم اسلامی و حقوقی، ۱۳۸۵)، ص ۲۶.

در تعریف سیاست کیفری بیان شده است که تدابیر عمدتاً کیفری و سزا دهنده ای که در جهت پیشگیری و سرکوبی جرم در یک جامعه اتخاذ گردیده و به اجرا گذاشته می شود. مقدمه ی استفاده از این تدابیر نیازمند وجود یک واقعیت عینی و خارجی است بطوری که حفظ حقوق و آزادی های افراد جامعه اقتضاء می کند که رفتار خارجی خاصی که در قانون توسط حکومت پیش بینی شده است وجود داشته باشد. بر این اساس، ضرورت یک واقعه یا مظهر خارجی اراده از ارکان اساسی تحقق جرایم است. این امر در قوانین اساسی کشورها از جمله ایران مورد تاکید واقع شده است بطور مثال در اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده مورد تعرض و مواخذه قرار داد» که نشان دهنده ی وجود رفتار خارجی و مادی برای مجرم می باشد. در عین حال نیز مبین منع مجازات اندیشه ی مجرمانه و جرم انگاری قصد مجرمانه نیز می باشد و بر لزوم وجود رکن مادی برای تحقق جرم تاکید نماید. از موارد دیگری که می تواند اهمیت و جایگاه رکن مادی را نشان دهد لزوم وجود رکن مادی (رفتار خارجی) در مرحله اثبات جرم است بطوری که وجود یک واقعیت عینی و خارجی لازمه ی اثبات جرم است و همین عامل باعث می شود که حکومتها در هر جامعه ای صرف وجود قصد مجرمانه و وجود وسوسه های نفسانی را مورد مجرم قرار ندهند که خود همین امر سبب محدود کردن و سخت کردن ادله اثبات نیز می شود بطوری که در کشف و جستجوی جرایم به دنبال ادله ی خارجی و عینی باشیم تا از بازکاری از ساز و کارهای دیگری همچون تفتیش عقاید و شکنجه خودداری شود.

به این ترتیب هنگام تحقیقات مقدماتی برای کشف جرائم، کار مراجع تحقیقاتی آسان می شود و به دنبال واقعیات عینی و خارجی که ملموس اند می روند. همین امر از تجسس در نیت دورنی اشخاص و تفتیش عقاید که کاری بس مشکل و شاید غیر ممکن می باشد خودداری می کند که نتیجه ی آن حفظ آزادی های اشخاص و پایبند بودن به اصل برائت می باشد.

با توجه به مطالبی که در خصوص رکن مادی جرم بیان شد. ملاحظه می شود که وجود رفتار مادی و خارجی، و شرایط و اوضاع و احوال محیط بر آن رفتارها اهمیت و جایگاه بس مهمی در سیاست جنایی تقنینی کشورها دارد. بطوری که حکومتها در هر جامعه ای نیازمند تحقق یکسری رفتارهای خارجی و مادی که قبلاً مورد مجرم واقع شده است می باشند و عدم توجه به این امر، بیان کننده ی محدود سازی آزادی افراد جامعه از طریق جرم انگاری می باشد. همین امر نشان دهنده ی این است که تنها افعال انسانی، رفتارهای قابل مجازات اند و فقط انسان بعنوان عامل تشکیل دهنده ی این رفتارها مسئول است. که به این عامل اصطلاحاً لزوم رکن مادی (لزوم فعل) گفته می شود که می توان آنرا لازمه ی تحقق عدالت کیفری قلمداد کرد.^۷

اصطلاح رکن مادی جرم ترجمه واژه لاتین *actus reus* می باشد که از قرن هیجدهم میلادی توسط یکی از نویسندگان حقوق آن زمان رایج شده است.^۸ حقوق دانان غربی در خصوص ماهیت آن بیان کرده اند که رکن مادی، بطور کلی تمامی اجزایی جرم، به استثنای آنهایی را که به حالت ذهنی مرتکب مربوط می شود را شامل است،^۹

^۶. سید محمد حسینی، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، ص ۱۳

^۷. مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، جورج پی. فلچر. ترجمه سید مهدی سید زاده ثانی (مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴) ص ۹۰.

^۸. Jonathan Herring, criminal law 3 thed. (London. Palgrave Mac Millan, 2002) , p. 38.

^۹. Smith, J. C. and Hogan, B. criminal Law (London. Oxford Univer cit y press) , p.32

هرچند به غلط شامل رفتار ارتكابی از سوی مرتكب بیان شده است زیرا با توجه به مثالهای گفته شده (زنده بودن، انسان دیگر در قتل عمدی یا رضایت بزه دیده در زنا یا به عنف) ملاحظه می شود که این موارد را یا باید زیر مجموعه ی یکی از ارکان تشکیل دهنده ی جرم (رکن مادی، معنوی، قانونی) قرار داد یا رکن چهارمی را به ارکان تشکیل دهنده ی جرم اضافه کرد که نظر دوم دور از ذهن می باشد. زیرا طبقه بندی سنتی در حقوق جزاء تقسیم بندی جرم در زیر مجموعه ارکان سه گانه می باشد و وقتی بتوان موارد گفته شده را در یکی از ارکان سه گانه قرار داد لزومی به وضع رکن چهارمی نمی باشد. حال پذیرفتیم که بهر حال مواردی چون زنده بودن، انسان دیگر، رضایت قربانی را می توان در ارکان سه گانه یافت کدامیک از این موارد صلاحیت این امر دارد. رکن قانونی بیان کننده ی موارد تجریم اعمال از سوی مقنن است و رکن معنوی نیز بیان کننده ی علم و قصد مرتكب است و اصولاً شامل موارد ذهنی مرتكب می باشد، به نظر می رسد که همان طور که اکثر حقوق دانان خارجی و برخی حقوق دانان داخلی رکن مادی جرم را تجزیه کرده اند و در سه جزء رفتار مرتكب، شرایط و اوضاع و احوال تحقق جرم، و نتیجه ی مجرمانه و رابطه ی علیت مورد بررسی قرار داده اند؛ موافق شد و آن را فقط شامل رفتار ندانست و رکن مادی جرم را فراتر از یک رفتار دانست که در ذیل بطور خلاصه به تبیین اجزای سه گانه رکن مادی می پردازیم.

اولین جزء در رکن مادی رفتار مرتكب است و در هر جرمی به موجب قانون مشخص می شود. این رفتار اغلب بصورت ارتكاب یک فعل است بطوری که قانون گذار انجام اعمالی را مورد تجریم قرار داده است مانند اقدام به کشتن دیگری، اقدام به ربودن مال دیگری، ساختن مهر و امضاء دیگری، ساختن مهر و امضاء دیگری و.... که همگی اعمال مثبت می باشند. البته ممکن است رفتار مرتكب بصورت حالت، حمل یا نگهداری چیزی باشد مثلاً حمل یا نگهداری مشروبات الکلی و آلات و وسایل مخصوص به قماربازی موضوع مواد ۷۰۲ و ۷۰۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ یا عضویت در گروهکها به قصد برهم زدن امنیت داخلی و خارجی موضوع ماده ۵۰۷ همان قانون و یا وجود حالتی مبنی بر تحقق رفتار مجرمانه مانند ولگردی موضوع ماده ۷۱۲ قانون تعزیرات و اعتیاد به مواد مخدر موضوع قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷ باشد. در حقوق انگلستان حمل سلاح غیر مجاز در اماکن عمومی، نگهداری داروهای غیر مجاز^{۱۰} یا قرار داشتن در مجاورت مناطق ممنوعه^{۱۱} را می توان از موارد ظهور رفتار مجرمانه در صورتهای دیگر ملاحظه نمود. در بعضی مواقع رفتار مجرمانه بصورت ترک فعل ظهور می یابد بطوری که مقنن برای مردم تکالیفی را مقرر می دارد و آنان را مجبور به انجام آنها می نماید. در این موارد اگر کسی از دستور مقنن خودداری نماید و به آن تکالیف عمل ننماید مرتكب جرم شده است. مانند ترک انفاق، عدم ثبت واقعه ی ازدواج دائم یا عدم گزارش برخی از جرایم از

۱۰. حسین میر محمد صادقی، «گفتارهای حقوق جزای عمومی» تقریرات کلاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، زمستان ۱۳۸۰، صص ۹ و ۱۰.

۱۱. S. 1 of the prevention of crime Act 1953

۱۲. s. 5 of the Misuse of Drugs Act 1971

۱۳. s. 1 of the official secrets Act 1911

سوی ماموران موضوع مواد ۶۴۲ و ۶۴۵ و ۷۱۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵. در حقوق انگلستان گزارش نکردن واقعه ی رانندگی که فرد در آن دخیل بوده است^{۱۴} یا عدم مراقبت فرد از فرزند خود، لجرم محسوب می شوند. اما صرف بروز یک رفتار چه بصورت فعل، ترک فعل و یا یک حالت کافی جهت تحقق یک جرم نیست. در کنار رفتار مرتکب نیازمند وجود شرایط و اوضاع و احوالی برای تحقق جرم هستیم. اصولاً هر جرمی مطابق توصیف قانون تحت شرایط خاص محقق می شود که در صورت عدم تحقق آن شرایط جرم بوجود نمی آید. البته این شرایط و اوضاع و احوال در همه ی جرایم یکسان و مشابه نیست. بطور مثال تعلق داشتن مال به دیگری در جرم سرقت از شرایط لازم برای تحقق این جرم است. همچنین عدم رضایت در جرم زنا یا به عنف از شرایط تحقق آن است یا در جرم قتل عمد، که موضوع تحقیق حاضر است، وجود انسان زنده ی دیگر از شرایط تحقق جرم قتل عمد است؛ یا در جرم ورود غیر مجاز به ساختمان برای انجام جرم در حقوق انگلستان، مرتکب می بایست بدون رضایت صاحب ساختمان وارد آن شود. بنابراین وجود شرایط و اوضاع و احوال خاصی در هر جرم که توسط قانون گذار تعیین می شود جزء لاینفک در هر جرم می باشد و بدون تحقق آن شرایط و اوضاع و احوال جرم تحقق نمی یابد. به همین جهت می توان با نظر یکی از نویسندگان حقوق همراه شد که «هیچ جرمی را نمی توان یافت مگر آن که منوط به شرایط و اوضاع و احوال خاصی باشد»^{۱۷}.

با این وجود تشکیل رکن مادی جرم را به صرف وجود رفتار مجرمانه و شرایط و اوضاع و احوال لازم نمی توان کامل دانست. بلکه نیازمند جزء سومی نیز می باشیم و آن وجود نتیجه ی مشخص است که توسط قانون گذار بیان شده است. اما نکته ای که در خصوص جزء سوم رکن مادی جرم مورد توجه قرار می گیرد این امر است که، نیاز نیست همه ی جرایم جزء اخیر رکن مادی را داشته باشند. علت این امر را در این تقسیم بندی که از سوی حقوق دانان لحاظ شده است می توان یافت زیرا جرایم بطور کلی به جرایم رفتاری یا مطلق و جرایم نتیجه ای تقسیم می شوند. قانون گذاران در مقام توصیف جرم کیفری گاه به دلیل بالقوه بودن صدمه ی حاصل از یک رفتار و گاه به جهت مسلم بودن صدمه ای که با یک رفتار همراه است، تحت شرایط خاصی، صرف یک رفتار یا حالت و وضعیت را جهت تحقق جرم کافی می دانند، که این نوع جرایم به جرایم رفتاری یا مطلق مشهوراند.^{۱۸} در این جرایم بطور کلی فقط نیازمند اثبات وقوع رفتار ممنوع شده می باشیم.^{۱۹} در این جرایم «وصف مجرمانه صرفاً به صورت یا ظاهر فعل تعلق گرفته و در توصیف مجازات اخذ نتیجه ی زیان بار منظور نشده است».^{۲۰} از جمله ی این جرایم می توان به شهادت دروغ و توهین اشاره نمود که در آنها به صرف اثبات تحقق رفتار، نیازمند اثبات امر دیگری نمی باشیم.

^{۱۴} Road Traffic Act, 1988.

^{۱۵} Children and Young persons, 1933.

۱- □□□□□□□□

^{۱۷} . محمد خلیل صالحی، «رکن مادی جرم». (رساله ی دکتری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶)، ص ۲۵۳.

^{۱۸} conduct offences

^{۱۹} Jefferson. M. criminal Law, 4 thed(london, pearson Education, 2001), p, 131.

^{۲۰} . محمد علی اردبیلی، حقوق جزایی عمومی، پیشین، ص ۲۱۶

در مقابل این گونه جرایم، جرایمی هستند که حصول یک نتیجه ی زیان بار همراه یا متعاقب رفتار شرط تحقق جرم می باشد. این جرایم، جرایم نتیجه ای یا مقید نام دارند.^{۲۱} برای مثال در جرایمی مانند قتل یا کلاهبرداری، سلب حیات از یک انسان و یا خارج شدن مال از تملک قربانی به همراه ارتکاب فعل یا متعاقب آن ضروری است. بنابراین در جرایم مقید یا نتیجه ای، نتیجه ی زیان بار یکی از اجزایی رکن مادی است و لذا وقوع آن باید محرز شود بطوری که ورود صدمه ای خاص در این جرایم ضروری می باشد.^{۲۲} البته در جرایم مقید می‌بایست بین رفتار مجرمانه و نتیجه ی مورد نظر رابطه ای وجود داشته باشد تا بتوان براساس آن رابطه، بین رفتار مجرمانه و نتیجه ی مورد نظر ارتباط برقرار نمود. بطوری که رفتار متهم باعث تحقق آن نتیجه شده باشد. بطور مثال در قتل عمد لازم است که محرز شود رفتار باعث مرگ شده است بطوری که اگر علت مرگ، رفتار متهم نباشد انتساب مرگ به او منتفی می باشد. حتا اگر تمام اجزایی رکن مادی و معنوی وجود داشته باشد؛^{۲۳} در این مورد در فصل سوم بیشتر توضیح داده خواهد شد. در خاتمه بحث ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که، با مروری به سطور قبلی ملاحظه می شود که در بحث رفتارهای خارجی جرم، از واژه رکن مادی به جای واژه ی متداول عنصر مادی استفاده شده است. علت را در این امر می توان جستجو کرد همان گونه که ملاحظه شد؛ رفتار خارجی جرم از چندین جزء تشکیل یافته است و با توجه به معانی که در خصوص واژه ی عنصر- بن، ماده، بیخ و رأس _ وجود دارد و اطلاق این واژه بر کوچکترین جزء هر چیز، به نظر می رسد که به جای عنصر، از واژه رکن استفاده شود. زیرا وقتی واژه عنصر به کار میرود دیگر نمی توان برای آن اجزای کوچکتری در نظر گرفت. ولی واژه رکن، که از آن به عنوان ستونی که بدان چیزی دیگر تکیه کند یاد شده است، دارای اجزایی است که با توجه به تقسیم بندی ذکر شده در خصوص رفتارهای خارجی جرم، واژه دقیق و هماهنگ با تقسیم بندی ذکر شده می باشد.

قتل عمد در قانون امارات

تعریف قتل همان طور که در فقه حقوقی به طور سنتی تعریف شده است، آدمکشی است که با سوءنیت انجام شده است، اما عوامل دیگری را نیز به دنبال داشته است که منجر به چنین رویدادی شده است. با این حال، در عصر جدید، تعریف قتل تکامل یافته و مستلزم قتل عمدی یا ایجاد عمدی جراحات منجر به مرگ شود. به عبارت دیگر از نظر حقوقی، قتل به کشته شدن انسان توسط شخص دیگری گفته می شود که قصد دارد چنین اقدامی را بدون اجازه قانون یا مقام انجام دهد. در امارات متحده عربی، جنایاتی مانند قتل و سرقت تحت لوای قانون فدرال شماره ۳ (۱۹۸۷) قرار می گیرد.

قانون مجازات امارات متحده عربی، جنایات در سه دسته مختلف مانند جنایت، بزه و تخلف، با استناد به ماده ۲۶ قانون مذکور طبقه بندی می شوند. در اینجا، وکلای کیفری دبی قتل را به عنوان جنایت تفسیر می کنند، زیرا طبقه بندی جنایت با مجازات ذکر شده برای چنین جنایاتی در قانون مجازات تعیین شده است. در حالی که، ماده ۳۸ قانون مجازات

^{۲۱} result offences

^{۲۲} Jefferson- Michael, op. cit, p. 131- 132.

^{۲۳} smith and Hogan, op. cit. p. 45: if the death came about solely through some other cause the crime is not committed, even though all the other elements of the actus reus and the mens rea are present.

تأیید می‌کند که عنصر اخلاقی جرم منوط به قصد یا اشتباه است. قصد زمانی ایجاد می‌شود که متهم مایل است به سمت ارتکاب یا ترک فعل حرکت کند، جایی که چنین ارتکاب و ترک فعلی جرم تلقی می‌شود.

جرم قتل تحت قوانین امارات متحده عربی

در لوای موارد مذکور، قانون مجازات برای جنایاتی که علیه جان و امنیت انسان‌هایی که در داخل کشور زندگی می‌کنند مرتکب شده است، مجازات‌هایی را در نظر گرفته است. از آنجاکه، ماده ۳۳۲ قانون مجازات، جزای حبس ابد را برای هرکسی که عمداً فردی را بکشد قابل اعمال است؛ باین حال، اگر قاتل مرتکب به قتل عمدی شود که همراه با جنایت دیگر و سایر شرایط مشابه باشد، در این صورت جرم منجر به حکم اعدام می‌شود. به موجب ماده ۱ قانون فدرال، به شماره ۲۰۰۵/۳۴ مورخ ۲۰۰۵/۱۲/۲۴ میلادی، متن ماده ۳۳۲ اصلاح گردید. سپس بر اساس ماده ۱ مصوبه قانون فدرال شماره ۲۰۱۶/۷ مورخ ۲۰۱۶/۹/۱۸ میلادی تبدیل و جایگزین شد که به شرح زیر است:

۱- هرکس از روی عمد شخصی را به قتل برساند، مجازات وی حبس ابد خواهد بود.
 ۲- در صورتی مجازات اعدام در نظر گرفته می‌شود که قتل با مقدمه چینی یا از پیش برنامه ریزی شده یا همزمان یا مرتبط با جرم دیگری باشد، و یا اینکه علیه یکی از دارایی‌ها و اشخاص مجرم واقع شده و یا علیه یک کارمند دولتی یا علیه شخصی که به کار دولتی گمارده شده که در طول یا به دلیل یا به مناسبت ادای وظیفه یا خدمت خود، بر روی او رخ داده باشد و یا اینکه از مواد سمی یا مواد منفجره استفاده شده باشد.

۳- اگر اولیای دم در یکی از مراحل دادخواست یا قبل از قطعیت اجرا، از حق خود در قصاص گذشتند، مجازات حبس به مدت حداقل هفت سال در نظر گرفته خواهد شد.

قانون همچنین پیش‌بینی تعمدی را بر اساس ماده ۳۳۳ به مقدمه چینی و مراقبت و کمین (نیت و قصد) اشاره نموده و بررسی می‌کند که؛ مقدمه چینی عبارت است از قصد تعیین شده قبل از عمل به منظور ارتکاب جرم علیه هر شخص و فراهم کردن وسایل لازم برای انجام دقیق عمل است. و ترصد (مراقبت و کمین) به معنای این است که شخصی برای یک مدت زمان طولانی یا کوتاه از یک یا چند جهت در کمین فردی دیگر بنشیند تا وی را به قتل رسانده و یا با عملی خشونت آمیز به او حمله کند.

بنابراین در تحلیل ماده فوق می‌توان بیان داشت به‌عنوان سوءنیت قبل از شروع جنایت علیه هر شخص و مراقبه در مورد اقدامات لازم برای انجام دقیق جنایت تعریف می‌کند. با توجه به شرایط فعلی پرونده و تأیید مقامات پلیس، متهم با قصد سرقت وارد محل سکونت قربانیان شد، و توسط قربانیان متوقف شد اما به دلیل ضربات متعدد وارده با چاقو، منجر به مرگ قربانیان شد. شرایط مذکور، در نگاه اول نشان می‌دهد که مجرم ممکن است به دلیل ارتکاب قتل تعمدی در شرایط وخیمی که منجر به جنایت دیگری (سرقت شبانه در منزل) می‌شود، به قتل عمد متهم شود. متناوباً، قانون مجازات بر اساس ماده ۳۳۶ بیان می‌دارد «هر کس به هر نحوی بدون قصد کشتن، به سلامت جسمانی شخص دیگری تعدی کند و منجر به مرگ وی شود، مدت حداکثر ۱۰ سال مجازات حبس برای او در نظر گرفته می‌شود.

اگر یکی از شرایط مندرج در بند دوم ماده ۳۳۲ وجود داشته باشد، این‌بمعنوان شرایط سخت تلقی می‌شود. در صورتی که وقوع عملی از مجرم تحت تأثیر مواد مخدر یا حالت مستی صورت گرفته باشد، بدون تخطی از مقررات مواد ۶۰ و ۶۱، این نیز بعنوان شرایط سخت تلقی می‌شود»

بنابراین می‌توان بیان داشت که متهم در صورتی که بدون قصد قتل به هر نحوی از نظر جسمی به شخص دیگری تعرض کند، به حبس حداکثر ده سال یا بیشتر محکوم می‌شود، اما اگر این حمله منجر به قتل شود و اگر با جنایت دیگری همراه باشد تشدید می‌شود. در این راستا می‌توان به یک مثال عینی از قتل در قانون امارات استناد نمود در روز پنجشنبه، ۱۸ ژوئن ۲۰۲۰ قتل یک زوج هندی در دبی رخ داد، هنگامی که یک زوج هندی به طور وحشیانه‌ای با ضربه چاقو توسط پستیچی متهم که با زور وارد خانه شده، مورد دستبرد قرار گرفتند. این زوج نتوانستند از این حادثه هولناک جان سالم به در ببرند. باین‌حال، دخترانشان حتی پس از جراحات‌های شدید توانستند از این حادثه وحشتناک بگریزند. مقامات پلیس دبی در دستگیری متهم طی ۲۴ ساعت پس از ارتکاب جنایت موفق شدند و سلاح قتل را کشف کردند. مقامات اعتراف وی به ارتکاب قتل و سرقت شبانه در محل قربانیان را تأیید کرده‌اند.

باتکیه بر حقایق موجود در این زمینه، هنوز تأیید نشده است که جنایت قتل عمدی یا غیرعمدی بوده است، زیرا دادستان عمومی بر اساس سوءنیت جنایتکار او را متهم می‌کند. متهم در ادامه با ضربات چاقو به دختر بزرگ متوفی باعث جراحت وی شد. باین‌حال، هنوز قصد چنین اقدامی مشخص نشده است. در چنین شرایطی، اگر دادستان عمومی قصد متهم را برای اقدام به قتل ثابت کند، به نصف یا کمتر از آنچه که مجازات ارتکاب چنین جنایتی است محکوم شده است. از این‌رو، تلاش برای ارتکاب جرم طبق مواد ۳۴ و ۳۵ قانون مجازات به‌عنوان شروع اجرای عملی با قصد ارتکاب جرم تعریف شده است. در صورتی که به دلایلی خارج از کنترل مجرم از اثر آن جلوگیری شود. در ادامه، ماده ۳۵ تشریح می‌کند که اگر مجازات جرم ارتکابی محکومیت به اعدام باشد؛ تلاش برای ارتکاب جرم قابل مجازات به حبس ابد است. در صورتی که مجازات چنین جنایتی حبس ابد باشد قابل وضع به زندان، و در صورتی که محکومیت زندان برای جنایت اصلی در نظر گرفته شده باشد به نصف مدت این محکومیت قابل وضع است. باین‌وجود، اگر سوءقصد قتل محرز نشده باشد، بر اساس ماده ۳۳۹ «هر کس به هر نحوی به سلامت جسمانی شخص دیگری تعدی کرده، این تعدی منجر به بیماری یا معلولیت و ناتوانی وی در انجام کارهای شخصی خود به مدت بیش از ۲۰ روز شود، به حبس و جزای نقدی محکوم می‌شود. اگر نتیجه تعدی به حدی که در بند قبلی ذکر شد نرسد، مجازات حبس برای مدت حداکثر ۱ سال و جزای نقدی به میزان حداکثر ۱۰ هزار درهم در نظر گرفته خواهد شد و در صورتی که این تعدی منجر به سقط جنین زن حامله شود، این بعنوان شرایط سخت تلقی می‌شود»

بنابراین می‌توان بیان داشت که اگر کسی به متهم اتهامی وارد می‌شود که می‌گوید متهم در صورت تعرض فیزیکی به شخص دیگر به هر نحوی که به مدت ۲۰ روز منجر به بیماری یا ناتوانی در انجام وظایف شود، ممکن است متهم به حبس یا جریمه شود و در صورت دارا بودن شرایط مطابق ماده ۳۳۲ تشدید می‌شود. با ذکر این مورد، ماده ۳۸۲ قانون مجازات سرقت را اختلاس اموال منقول متعلق به ... تعریف می‌کند. مفاد حقوقی مربوط به قتل مطابق قانون جزای امارات متحده عربی.

تشریح سیستم جزائی امارات در حوزه قتل

از آنجاکه امارات متحده عربی فدراسیون هفت اماراتی است، قانون فدرال برای همه امارات به طور یکسان اعمال می‌شود. قانون اساسی فدرال امارات متحده عربی به هر اماراتی اجازه می‌دهد تا قوه قضائیه خود را داشته باشد. باین‌حال، به جز دبی و رأس الخیمه، همه امارات‌ها گرد هم آمده‌اند تا قوه قضائیه امارات متحده عربی را تشکیل

دهند؛ بنابراین، اماراتی مانند دبی تصمیم گرفت کنترل قوه قضاییه را حفظ کند، اما همچنان تابع قوانین فدرال است که قبلاً وضع شده بود.

سیستم قضایی در امارات متحده عربی از سه سطح دادگاه تشکیل شده است که عبارت‌اند از: دادگاه بدوی، دادگاه تجدیدنظر و دادگاه عالی فدرال (برای اماراتی مانند ابوظبی، شارجه، ام القوین، عجمان و فجیره) یا دیوان عالی کشور که در سطح محلی است، برای اماراتی مانند دبی و رأس الخیمه. در هر دادگاه یک بخش مدنی، یک بخش جنایی و یک بخش شرعی وجود دارد. به‌عنوان مثال، یک پرونده جنایی مانند قتل ابتدا به دادگاه بدوی می‌رود که قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر و دادگاه عالی فدرال/دیوان عالی کشور است.

طبق قانون شماره ۳ فدرال، ۱۹۸۷، قانون مجازات امارات متحده عربی جنایات را به سه دسته تقسیم می‌کند، مانند جنایت، تخلف و بزه، همان‌طور که در ماده ۲۶ آمده است. همان‌طور که در قانون مجازات ذکر شده است، جنایات بر اساس مجازات ناشی از ارتکاب چنین جرمی طبقه‌بندی می‌شوند. قتل در امارات متحده عربی به‌عنوان جنایت طبقه‌بندی می‌شود و مجازات آن حبس ابد است. این مجازات در مورد هر شخصی که مطابق ماده ۳۳۲ همان قانون قتل عمد را علیه فرد دیگری انجام دهد، اعمال می‌شود. به دنبال تشریح ماده ۳۸ قانون مجازات امارات متحده عربی عنصر اخلاقی جرم، مانند سوء قصد جنایت در یک مورد خاص را بررسی می‌کند. با این حال، اگر قتل یکی: عمدی و دو: همراه با ارتکاب جنایت دیگر همراه باشد مجازات ممکن است به مجازات اعدام تبدیل شود. ارتکاب قتل و سرقت نمونه‌ای از این جرایم است. ماده ۳۳۳ این قانون از منظر قانونی تشریح می‌کند که قتل عمد و قصد آن چیست. قانون شریعت همچنین نقش مهمی در تعیین حکم یک مجرم دارد. شریعت ملزم می‌دارد که از خویشاوندان نسبی متوفی در مورد حکمی که بر اساس دین و قوانین اسلامی برای متهم تعیین می‌شود، مشورت شود. بر اساس قوانین امارات متحده عربی، حکم مجرم/غیر مجرم تنها پس از صدور حکم می‌تواند اعلام شود و حق تصمیم‌گیری درباره این حکم به بستگان قربانی داده می‌شود. اقوام می‌توانند از این حق به سه طریق استفاده کنند: (۱) آنها می‌توانند حکم اعدام صادر کنند، (۲) از حق خود برای تصمیم‌گیری در مورد حکم اعدام صرف‌نظر کرده و درخواست پرداخت دیه کنند، یا (۳) متهم را بدون مجازات آزاد کنند. اگر مجرم گناهکار شناخته شود، مجازات‌های تعیین شده به دو جنبه تقسیم می‌شود:

الف- مجازات شرعی که طبق درخواست خانواده تعیین شده است

ب- حکم کیفری توسط قاضی در دادگاه صادر می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، قاتلی که توسط خانواده به اعدام محکوم شده است نیز قبل از تأیید حکم اعدام با حبس روبرو خواهد شد.

از سوی دیگر، اگر متهمان به طور کامل توسط خانواده مورد عفو قرار گیرند، همچنان باید با مجازات کیفری روبرو شوند که معمولاً به حبس تعزیری برای چند سال معین محکوم می‌شود.

با این حال، اگر خانواده تصمیم بگیرند در عوض دیه را بپذیرند، قاضی دادگاه ممکن است مدت حبس کمتری را صادر کند. علاوه بر این، ماده ۳۳۶ بیان می‌دارد که قاتل در صورت تعرض به فرد دیگری بدون قصد قتل (که بستگی به شرایط وخامت اوضاع دارد)، اما اگر این حمله منجر به قتل شود و توأم با سایر جنایات باشد حداقل به ده سال حبس ابد محکوم می‌شود.

به همین ترتیب، مواد ۳۴ و ۳۵ قانون مجازات تلاش برای ارتکاب جنایت مانند قتل را به‌عنوان شروع به انجام جرم با قصد واقعی تعریف می‌کند، اما به دلیل تشدید شرایط خارج از کنترل متهم، آن را کامل نمی‌کند. ماده ۳۵ مجازات این‌گونه جرایم را تعیین می‌کند؛ بنابراین، مجازات اقدام به قتل، حبس ابد است زیرا مجازات جنایت کامل شده، حکم اعدام دارد. این چهارچوب قانونی است که توسط قانون مجازات امارات متحده عربی و قانون شرعی برای قتل وضع شده است.

رکن مادی قتل عمد در قانون امارات

قانون مجازات امارات متحده عربی، جرایم مرتبط با زندگی و سلامت و امنیت فرد را در یک فصل از قانون که متشکل از سیزده ماده مربوط به جرم انگاری و تعیین مجازات برای اعمال مجرمانه ای که بر زندگی و امنیت فرد تاثیر می‌گذارد، اختصاص داده است که متشکل از سه رکن قانونی، معنوی و مادی است که در این قسمت به بررسی تطبیقی رکن مادی قتل عمد پرداخته می‌شود.

در قانون امارات رکن مادی قتل با هر اقدام تعدی و تعرضی به زندگی و حیات قربانی محقق می‌شود، خواه این اقدام همانند قتل عمدی از روی قصد باشد یا مانند قتل غیرعمد از روی قصد نباشد و سیله و روش تعدی و تعرض هیچ تاثیری در قانون ندارد، مگر اینکه این سیله و روش تعدی و تعرض، سم باشد، از این‌رو، استفاده از آن یکی شرط تشدیدکننده برای قتل محسوب می‌شود بدین ترتیب رکن مادی جرم قتل با استفاده از هر وسیله‌ای محقق می‌شود تا زمانی که استفاده از آن وسیله منجر به مرگ قربانی شود. بنابراین منظور از رکن مادی جرم، آنگونه که در ماده (۳۱) قانون مجازات فدرال و اصلاحات آن بیان شده، به معنای هرگونه فعالیت مجرمانه با ارتکاب عمل یا ترک فعل است، هر زمان که چنین ارتكابی یا ترک فعلی از نظر قانون جرم باشد.^{۲۴}

متناسب با مطالب فوق و بر اساس قانون امارات برای تحقق رکن مادی قتل عمد می‌توان بیان داشت که عنصر مادی و در قالب کشتن یک انسان در قید حیات نمایان می‌شود و نتیجه حاصله جنایی از این عمل یعنی از بین رفتن روح این شخص و وجود رابطه سببیت بین عمل مجرم و مرگ مقتول و منظور از رابطه علی (سببیت) به معنای پیوند مستقیم و نزدیک نتیجه جنایی با عمل مجرم است.

عمل قتل: بنابراین بر اساس ماده (۳۱) قانون مجازات فدرال تصریح می‌کند: «عنصر مادی این جرم شامل فعالیت‌های مجرمانه با ارتکاب یا پرهیز از یک عمل است، هر زمان که ارتکاب چنین کاری یا نادیده گرفتن توسط قانون جرم باشد»؛^{۲۵} از متن ماده قبلی فهمیده می‌شود که هیچ تفاوتی بین تیراندازی به مقتول و شکنجه دادن او مثلاً با منع دارو وجود ندارد، مشروط بر اینکه عملی که قاتل بر علیه مقتول صورت داده باشد طبق قانون جرم باشد **رابطه علیت:** میان عمل و نتیجه را نشان می‌دهد، که این رابطه را به عنوان حلقه ارتباطی در نظر گرفته می‌گیرد، و نقش آن این است که آنچه را که عمل در دستیابی به نتیجه داشته باشد یا به عبارتی دیگر، اثبات اینکه عمل، سبب حصول نتیجه بوده است، (نجیب حسنی، ۱۹۸۳: ۳) گویی عمر، زید را ضرب و شتم می‌کند، سپس زید با یک وضعیت وخیم با ماشین آمبولانس به بیمارستان منتقل می‌شود، و بدلیل وجود وسایل الکترونیکی در ماشین آتش سوزی ناگهانی بوجود می‌

^{۲۴} - يتكون الركن المادي للجريمة من نشاط إجرامي بارتكاب فعل أو الامتناع عن فعل متى كان هذا الارتكاب أو الامتناع مجرماً قانوناً.

^{۲۵} - قانون فدرال شماره (۳) درباره مجازات

آید، بنابراین سبب فوت زید آتش سوزی است نه ضرب و شتم، در نهایت، نمی توانیم بگوییم که عمل عمر بوده و منجر به نتیجه حتمی شده است.

نتیجه: در همین راستا نیز ماده (۳۲) قانون مجازات امارات تصریح می کند که: «شخص، برای جرمی که نتیجه فعالیت مجرمانه وی نبوده، بازخواست نمی شود»

پس در خصوص نقش عنصر مادی در قتل عمد در قانون امارات می توان نتیجه گرفت که عنصر مادی جرم قتل در قانون عبارتست از عمل قتل و در شرع با ازبین رفتن روح آدمی تطابق دارد، و رابطه علیت در قانون با ارتباط بین علت و معلولی بین عمل مجرم و شخص مقتول مطابقت دارد، یعنی دربین آنها هیچ و سبب و رابطه ای در قتل وجود ندارد.

تفاوت قتل عمد و غیر عمد در قانون امارات و نقش رکن مادی در آن

قانون امارات علاوه بر بررسی قتل عمد قتل غیر عمد را نیز مورد توجه قرار داده و در، ماده ۳۳۲ بیان می کند که قتل عمدی و قتل غیر عمدی در موارد زیر مشترکند:

- محل مورد حمله و تجاوز: که عبارتست از زندگی انسان، و مستلزم آن است که مقتول در زمان ارتکاب عمل مجرمانه فردی زنده باشد، و به عبارت دیگر، محل جرم قتل مصلحت و منفعتی است که قانون به وسیله مجازات کیفری از آن محافظت می کند و این جنایت درباره تجاوز و حمله به آن محقق شده است.
- رکن مادی: که با ارتکاب عملی متجاوزانه علیه زندگانی فردی حاصل می شود که منجر به از دست دادن روح و حیات مقتول می شود.

و اما تفاوت بین قتل غیر عمدی و قتل عمدی، در رکن مادی نشان داده می شود، که در جرم قتل عمدی، قصد مجرمانه است، یعنی اراده آزاد جنایتکار به ارتکاب قتل در حالی که خودش از این اقدام صادر شده از طرف خود آگاهی دارد. و اما در مورد قتل غیر عمد، مشخصه آن فقدان رکن مادی است که غالباً ناشی از سهل انگاری مرتکب، بی توجهی یا بی احتیاطی و بی خردی یا عدم التزام به مقررات و قوانین است. (المرزوقی، ۲۰۱۸: ۲-۵)

قتل عمد در قانون ایران و سیر تاریخی آن

پس از تشکیل اداره مستقل عدلیه و تضعیف نفوذ قضایی روحانیون بعد از برخوردها و تعارضات متعدد، بالاخره در تاریخ دی ماه ۱۳۰۴ قانون اصول محاکمات جزایی به تصویب رسید. این قانون پایه های نظام جزایی عرفی را در ایران به وجود آورد. در تاریخ بهمن ماه همان سال احکام مربوط به قتل طی مواد ۱۷۰ به بعد قانون مذکور اضافه گردید. بنابراین «جرم قتل در یک نگرش کلی می توان به قتل عمد و غیر عمد تقسیم نمود. در عین حال قانون گذار طی مواد ۱۷۰ به بعد قانون مجازات عمومی اسبق به تقسیم چهارگانه قتل با عناوین عمد، شبه عمد، در حکم عمد و غیر عمد قائل بود. قتل عمد با قصد فعل و قصد نتیجه فعل (یعنی سوءنیت عام و سوءنیت خاص) حاصل می گردد.» (صادقی، ۱۳۸۶، ۳۴) چنانچه ماده ۱۷۰ قانون فوق الذکر که در صدر باب سوم راجع به جنجه و جنایت نسبت به اشخاص درج شده بود با این صراحت اعلام می داشت: «مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است مگر در مواردی که قانوناً استثناء شده باشد.» قتل شبه عمد نیز طی ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی سابق بدین شرح، پیش بینی شده بود: «هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که منتهی به موت مجنی علیه گردد، بدون اینکه مرتکب قصد کشتن را داشته

باشد، به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. مشروط بر اینکه آلتی که استعمال شده است قتاله نباشد و ...». بنابراین ماده مذکور در شرائطی که مرتکب بدون قصد قتل، اقدام به ضرب و جرح عمدی می‌نمود، مرگ مجنی‌علیه را سبب شده باشد، قتل شبه عمد محقق شده است. در ذیل ماده ۱۷۱ قانون اخیر آمده بود: «... و اگر آلت، قتاله باشد مرتکب در حکم قاتل عمدی است...». نتیجه اینکه در همین قانون، بسته به قصد مرتکب، آلت استعمال شده، موضع اصابت و وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه جنایت ارتكابی عمدی یا در حکم عمد محسوب می‌شد. به عبارتی مطابق آراء عدیده دیوان عالی کشور اگر مرتکب، با سبق تصمیم و یا قصد قتل مجنی‌علیه را بکشد قتل ارتكابی عمدی محسوب می‌شود. (رأی اصراری دیوان عالی کشور به شماره ۲۸۵ مورخه ۱۳۵۰/۹/۱۰) یا ایراد ضرب به وسیله چوب به سر دیگری که منجر به فوت شود، قتل عمدی است زیرا آلت قتاله محسوب می‌شود. (رأی شعبه ۵ دیوان عالی کشور به شماره ۱۳۹۸ مورخ ۱۳۱۸/۶/۲۱) یا دیوان عالی کشور فشردن گلو توسط مرتکب را مشمول ماده ۱۷۱ ق.م.ع. اسبق و بند (ب) ماده ۲۹۰ ق.م.ا. کنونی دانسته است. (رأی شعبه ۵ دیوان عالی کشور به شماره ۲۴۲۲ مورخ ۱۳۱۷) یا دیوان عالی کشور ایراد ضرب با سیلی به شقیقه زنی که در اثر آن بزه دیده بلافاصله به زمین افتاده و فوت کرده است از جهت حساسیت موضع آلت قتاله تشخیص داده است. (رأی شعبه دیوان عالی کشور به شماره ۳۵۲۶ مورخه ۱۳۲۱) بالاخره دیوان عالی کشور قتل کسی که از وضعیت نامتعارف برخوردار است به وسیله ورود یک ضربه عمدی ولو فقط یک سیلی را مشمول قتل عمدی دانسته است. (رأی شعبه ۵ دیوان عالی کشور به شماره ۱۰۱۰ مورخ ۱۳۱۷/۴/۲۹) پس از پیروزی انقلاب، نخستین قانونی که در این زمینه به تصویب رسید قانون حدود قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱ بود که به صورت آزمایشی و برای مدت پنج سال به تصویب کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی رسید و تا سال ۱۳۷۰ مورد عمل قرار می‌گرفت. این قانون مشتمل بر ۲۱۸ ماده بود و هشتاد ماده نخست آن به قصاص نفس و عضو اختصاص داشت. در سال ۱۳۷۰ قانون یاد شده با تغییرات جزئی به صورت قانون مجازات اسلامی درآمد.

مقایسه قتل عمد در ایران و امارات

الف- در مقایسه ارکان قتل عمد بخصوص رکن مادی در قانون جزای ایران و امارات می‌توان به این نتیجه رسید که توجه به اسلامی بودن قوانین دو کشور، شریعت اسلام و فقه در مبنا، تعریف قتل، ارکان آن و مجازات در نظر گرفته تاثیر فراوانی دارد با این تفاوت که گرچه حقوق ایران در بیشتر موارد به ویژه در خصوص مجازات در حوزه قتل عمد و توجه به رکن مادی آن قوی تر و بسیار مستحکم تر از حقوق امارت است اما قانون جزای امارات توجه ویژه ای به کلیه جرایم خاصه قتل عمد و رکن مادی آن دارد که جای بسیاری از مواد آن در قانون مجازات اسلامی ایران خالی است.

ب- با مقایسه نظام حقوقی ایران و امارات در خصوص رکن مادی قتل عمد می‌توان به این نتیجه رسید که در نظام حقوقی ایران بر خلاف امارات، با توجه به اینکه رکن مادی قتل از مباحث بسیار مهم در حقوق کیفری ایران می‌باشد قانونگذار به صراحت در ماده ۲۰۶ ق.م.ا. فعل را برای تحقق جرم قتل لازم و ضروری شمرده است. اما در خصوص ترک فعل هیچ تصریحی به میان نیامده است به عبارت دیگر شرایط قتل از طریق ترک فعل در حقوق ایران به طور کلی کمتر متوجه تارک فعل می‌باشد؛ اما چنانچه شرایطی حاکم باشد، در مواردی می‌توان تارک فعل را به دلیل قتل یا صدمه جسمانی مسوول دانست. بنابراین قانونگذار می‌بایست برای جلوگیری از تشدد آراء، ترک فعل و شرایط آن را

در ق.م.ا. تصریح کرده و به طور واضح موضع خود را در قانون مشخص نماید مسئله ای که در قانون امارات به نسبت ایران مورد توجه قرار گرفته است.

ج- در قوانین دو کشور ایران و امارات و بر اساس شریعت اسلامی قتل عمد یکی از بزرگترین گناهان کبیره و بزرگترین جنایات است و طبق آنچه قرآن کریم به آن اشاره کرده است، و سنت موکد آن است، و دانشمندان بر آن اجماع نظر دارند. و مجازات اصلی برای قتل عمدی قصاص است که این موضوع در قوانین دو کشور مشترک و پذیرفته شده است ثانیاً، در بررسی ارکان قتل عمد در قوانین دو کشور می توان بیان داشت که در قانون امارات و برای اینکه قتل عمدی صورت گیرد باید دو مولفه زیر حضور داشته باشند: مادی و در قالب کشتن یک انسان در قید حیات نمایان می شود و نتیجه حاصله جنایی از این عمل یعنی از بین رفتن روح این شخص و وجود رابطه سببیت بین عمل مجرم و مرگ مقتول که این شرایط در قوانین ایران نیز وجود دارند لذا آنچه سبب تفاوت میان دو نظام حقوقی است مسئله مجازات قتل عمد می باشد قانون امارات با توجه به اینکه مجازات اعدام در کشورهای اروپایی و غربی از سال «۱۹۸۱» لغو شده، و همچنین متاثر از فرایند جهانی شدن و مخالفت با مجازات اعدام از این رو قوانین جزائی این کشور نیز بالحاظ کردن ماده «۳۳۲» ق، مجازات قتل عمدی را با الهام و تبعیت از کشورهای اروپایی، «محکومیت به حبس ابد» اعلام کرده است در حالی که در حقوق ایران مجازات قتل عمد اعدام می باشد.

د- در خصوص قتل عمد در ایران و امارات می توان بیان داشت که و رکن اخلاقی (معنوی) است و آن در جنایت قتل عمدی قصد جنایت است، یعنی اراده آزاد مجرم به ارتکاب قتل اختصاص دارد و او از قبل می داند که این امر از اوصاف می شود. به نظر میرسد که در قوانین امارات در خصوص قتل عمد عمدتاً از دو رکن مادی و معنوی بحث به میان آمده و رکن قانونی چندان بدان نپرداخته است و یا اگر هم پرداخته باشد در مقایسه با دو رکن دیگر نوعی مجهولیت در آن مشاهده می شود در حالی که در ارکان جرم قتل عمد در ایران بر سه جنبه مادی، قانون و معنوی تأکید دارند.

ذ- در مقایسه رکن مادی قتل عمد در قانون ایران و امارات می توان بیان داشت که در قانون ایران بر خلاف امارات اگر چه عنوانی تحت دفاع مسلوب الارادگی (بی اختیاری) وجود ندارد تا براساس آن افعال غیر ارادی و حتا ارادی که تحت کنترل و تسلط فرد نبوده است را از محدوده ی حقوق کیفری خارج کند ولی با توجه به شرایطی که در بحث مسئولیت کیفری مطرح می شود که از جمله ی آنها مختار و قاصد بودن فاعل جرم است، می توان بیان نمود که این گونه افعال فاقد ویژگی جرم می باشند. در این خصوص که آیا معیار حرکت بدنی ارادی را در ارتباط با افعال ایجابی در حقوق ایران نیز می توان پذیرفت یا خیر می توان به مواد ۳۲۳ و ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی اشاره نمود؛ که هرکس در حال خواب و بیهوشی بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف و یا نقص عضو دیگری شود جنایت او خطا محض می باشد، که بیان کننده ی این است که رفتار مرتکب هنگامی که از طریق فعل ارتکاب می یابد اولاً باید یک حرکت بدنی باشد ثانیاً تحت تسلط و کنترل او انجام شده باشد و بعبارتی ارادی باشد. یعنی در این دو ماده افعالی که

^{۲۶}. ماده ۳۲۳ قانون مجازات اسلامی «هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود جنایت او به منزله ی خطا محض بوده و عاقله ی او عهده دار خواهد بود.»

^{۲۷}. ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی «هرگاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد قصاص نمی شود فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد.»

ناشی از اراده فرد نبوده است فاقد ویژگی جرم بودن است و حال مشخص نیست چرا مقنن به این امر توجه نکرده است و با تجریم این اعمال آنها را در زیر مجموعه ی رفتارهای کیفری قرار داده است. زیرا با توجه به مباحث گذشته مشخص شد که فقط افعالی واجد جنبه ی تجریم قرار می گیرند که واجد یک حرکت بدنی ارادی تحت کنترل و تسلط باشند. حال آن که مواد ذکر شده فاقد ویژگی مذکوراند و اساساً این مواد جایی در قوانین جزایی ندارند، بلکه در قوانین مدنی و بحث ضمان باید بدان پرداخته شود.

ر- بیشترین تفاوت در خصوص قتل در حقوق این دو کشور، به انواع مختلف قتل و مجازاتهای تعیین شده برمی گردد. از دیگر تفاوتهای موجود، عدم تناسب بین جرم و مجازات قتل عمد در امارات است که این مسئله، یکی از نقاط ضعف حقوق امارات در مورد بزه قتل و نقاط قوت حقوق ایران است. یکی از مواردی که می توان در حقوق ایران و امارات به آن ایراد وارد نمود، میزان حداقلی و حداکثری مجازات است که در حقوق هر دو کشور مذکور، بر این مبنا مجازات تعیین می گردد که بدور از اشکال نیست. زیرا اکثر حقوقدانان معتقدند که تعیین میزان حداقلی و حداکثری مجازاتها، برخلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها است که این مسئله موجب سوءاستفاده ی قضات و محاکم از قدرتشان می گردد و نیز موجب تضییع حقوق اجتماعی افراد میشود و این امر، خارج از انصاف و عدالت است.

ر- در حقوق کیفری امارات تحقق قتل عمد بر اساس رکن مادی، فقط از طریق فعل و ترک فعل ارتکاب می یابد. از این جهت موضع یکسانی در حقوق ایران و امارات دیده می شود با این تفاوت که برخی حقوقدانان ایرانی تحقق قتل عمد را با فعل ناشی از ترک فعل قابل تحقق می دانند. ولی با توجه به مطالبی که در این خصوص بیان شد از جمله اینکه، فعل و ترک فعل هر کدام دارای ماهیتی متفاوت اند. فعل واجد یک نیروی کنش گر مادی است؛ درحالی که ترک فعل، صرفاً انجام ندادن یک وظیفه است. بنابراین جمع این دو عنوان باعث نقض غرض می شود در حقوق ایران در مقایسه با امارات شده است

ز- در راستای رکن مادی قتل عمد و مشارکت در آن می توان بیان داشت که در حقوق امارات عنوان شد که شرکت در قتل زمانی تحقق می یابد که رکن مادی قتل توسط بیش از یک نفر انجام شده باشد که اصطلاحاً به آنها مباحثان شریک گفته می شود. بنابراین برخلاف حقوق ایران نیاز نیست که حتماً مرگ مستند به رفتار شرکاء باشد؛ بلکه صرف انجام رکن مادی، قابلیت تحقق شرکت را دارد حتا در این نظام کیفری موارد چون تشویق و ترغیب در صحنه ی جرم شامل شرکت می شود. بنابراین از لحاظ دایره ی شمول، مصادیق بیشتری را نسبت به بحث شرکت در حقوق ایران شامل می شود. بطوری که برخی مصادیق معاونت در حقوق ایران مساوی با شرکت در حقوق امارات می باشد

س- دومین عنصر تشکیل دهنده ی رکن مادی قتل عمد، شرایط و اوضاع و احوال آن می باشد. اجزای این شرایط که همگی وجودی اند شامل انسان زنده محقون الدم می باشد. وصف انسان زنده شامل جنین انسانی نمی شود زیرا هم در حقوق ایران و هم در امارات انسان موضوع حقوق کیفری از زمان جدا شدن از مادر تحقق می یابد. بطوری که قابلیت زیست مستقل از مادر بعنوان معیاری، جهت بازشناسی این انفکاک در هر دو نظام کیفری مورد قبول می باشد. اگر چه در حقوق ایرانی برخی معتقد به تحقق قتل عمد نسبت به جنینی که در او روح دمیده شده است می باشند. اما با توجه به دلایل گفته شده، از جمله اینکه شخصیت حقیقی اهلیت تمتع و استیفاء در امور مالی با زنده متولد شدن نوزاد و قابلیت زیست مستقل وی مطرح می شود و به تبع آن در خصوص مسائل کیفری نیز این امر با شدت بیشتری مورد

تاکید می‌باشد بنابراین تفاوتی میان انشاء روح و مرحله‌ی قبل از آن نمی‌باشد زیرا شکل‌گیری انسان نیازمند یک امر تکوینی و مرحله به مرحله می‌باشد. بطوری که انشاء و ولوج روح بعنوان یکی از این مراحل می‌باشد؛ تشکیل وجود حقیقی انسان نیازمند مرحله‌ای مهمتر از انشاء روح است و آن زنده متولد شدن وی می‌باشد

ش- در خصوص رابطه‌ی علیت و سببیت بین عمل مجرم و مرگ قربانی در حقوق ایران و امارات می‌توان بیان داشت که فقهای شریعت اسلامی مانند صاحب‌نظران قوانین وضعی بحث مستقلی را به این رکن اختصاص نداده‌اند و اگر شرط وجود رابطه‌ی سببیت بین عمل جانی و مرگ قربانی از مضمون سخنان فقهای شریعت اسلامی در مورد شرایط امضای مجازات برای جانی استنباط می‌شود. علاوه بر اینکه این شرط (شرط وجود رابطه‌ی علیت و سببیت) برای امضا و تحقق مجازات جانی، شرط اولیه محسوب می‌شود که قاضی از جانب خودش آن را اعمال می‌کند و آن را از حقایق پرونده‌ی ارائه شده به خود استخراج می‌کند. بنابراین منطقی نیست که قاضی شخصی را به خاطر جرمی که مرتکب نشده مجازات کند و هیچ رابطه‌ی علیت و سببیتی بین عمل مجرمانه‌ی او و نتیجه‌ی آن عمل وجود ندارد بنابراین در راستای وجه اشتراک میان دو سیستم حقوقی ایران و امارات در حوزه رکن مادی قتل عمد می‌توان بیان داشت که به علت اقتباس و منشاء گرفتن از فقه اسلامی در هر دو سیستم هیچ رابطه‌ای بین علیت و سببیت بین عمل مجرمانه‌ی او و نتیجه‌ی آن عمل وجود ندارد.

ن- نکته‌ی بسیار مهم در راستای رکن مادی قتل عمد در حقوق ایران و امارات توجه به این مسئله است که در هر دو سیستم رکن مادی در مخصوص همیشه معصوم‌الدم بودن قربانی در شریعت اسلامی تا زمانی است که ارکان جرم قتل کامل باشند و قوانین وضعی این شرط را به حساب نمی‌آورند و آن را به طور کلی در نظر نمی‌گیرند؛ زیرا در این قوانین پیوند و ارتباط بین آنها و دین کاملاً قطع شده است و بر این اساس برخی از جرایمی که منجر به هدر رفتن خون یک انسان در شریعت اسلامی مانند ارتداد می‌شود با توبه نکردن در قانون وضعی مجازات نمی‌شود و اصلاً به عنوان یکی از جرایم شناخته نمی‌شود؛ زیرا این جرم در وهله‌ی اول یک جرم مذهبی است، بنابراین ماهیت آن ارتداد از دین اسلام پس از ورود به آن است و قوانین وضعی در اصل از جوامع غیر مسلمان و کسانی گرفته شده‌اند که قوانین ادیان الهی را به کار نمی‌گیرند بلکه قوانینی وضع می‌کنند که با واقعیت خودشان سازگار است و کاملاً از دین و آنچه مربوط به آن است، فاصله دارد این مسئله نشان می‌دهد که در سیستم جزائی هر دو کشور نوعی تقابل و تضاد بین قوانین فقهی با قوانین موضوعه در راستای رکن مادی قتل عمد و مجازات آن دیده می‌شود.

و- با وجودی که حضور رکن مادی جرم با سه عنصر آن ضروری است که این عناصر عبارتند از: عمل و اقدام تعرض به حیات و زندگی قربانی، سپس مرگ قربانی و در نهایت رابطه‌ی سببیت و علیت که عمل تعرض و نتیجه‌ی این عمل را به هم مرتبط می‌سازد. وجود رابطه‌ی سببیت بین عمل متجاوز و مرگ قربانی را بایستی که دادگاه در حکم خود اثبات کند چرا که اولاً، در قانون هر دو کشور منبعث از فقه اسلامی فقهای شریعت بحث در مورد وجود رابطه‌ی علیت و سببیت بین عمل و نتیجه را جدا نکرده‌اند، حتی اگر در سخنان آنها بحث درباره‌ی این رابطه و درباره ارکان جرم به صورت ضمنی آمده باشد و ثانیاً، در قوانین وضعی بر خلاف شریعت اسلامی، شرط همیشه معصوم‌الدم بودن یا بی‌گناهی قربانی (در عمدی بودن قتل) وجود ندارد اما شریعت اسلامی این شرط را لازم دانسته‌اند.

ه- در یک تطبیق کلی از رکن مادی قتل عمد در ایران و امارات می‌توان بیان داشت که اصل کلی این است که جرم و جنایت با فعل و انجام عمل در عالم خارج صورت پذیرد و با ترک فعل جرم و جنایت محقق نشود و دلیل این امر را

عدم صلاحیت ترک فعل در وقوع جنایت دانسته اند و اینکه نمی توان با ترک فعل، جنایتی را به تارک عمل استناد کرد.

ق.م.ا در ماده «۲۰۶» در وقوع قتل عمد، ارتکاب فعل از سوی قاتل را لازمه تحقق قتل عمدی دانسته و در هر سه بند ماده مذکور، فعل مثبت را شرط تحقق جنایات عمدی دانسته است این در حالی است که قانون گذار امارات ارتکاب قتل عمدی را تنها با فعل مثبت و مادی ممکن می داند و ترک فعل را در وقوع قتل بی تأثیر می داند.

اما در حقوق ایران، مواردی وجود دارند که در آنها اگر چه ترک فعل به تنهایی نمی تواند موجب جنایت گردد، اما در شرایطی خاص وقتی مسبوق به برخی افعال باشد، ممکن است بطور غیر مستقیم منتهی به قتل و صدمات بدنی شود. با توجه به ماده «۳۱۶» ق.م.ا، جنایت ممکن است به مباشرت یا بالتسبیب واقع شود و ماده «۳۱۸» همین قانون «تسبیب» را تعریف نموده است. برخی از مصادیق وقوع جنایت به سبب ترک فعل که در شرایط خاص صورت گرفته را با ذکر مواد قانونی، برشمرده و از توضیح آنها، خودداری می شود: ماده «۳۵۰» ق.م.ا: هرگاه دیواری را در ملک خود به طور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید.....مالک آن، ضامن می باشد.» ماده «۳۵۷» ق.م.ا: «صاحب هر حیوانی کهعهده دار خسارتش نیست».

قتل عمد همواره یکی از سنگین‌ترین جرائم در میان جوامع به حساب می‌آید و کشورها غالباً شدیدترین مجازات‌ها را برای آن مقرر کرده‌اند چرا که قتل نفس یکی از بزرگترین صدمات بدنی است که علیه بشر اتفاق می‌افتد و از جمله جرایمی است که همیشه از سوی افراد و جامعه منفور تلقی شده است. علمای حقوق کیفری وقتی جرم را بر مبنای شدت و ضعف طبقه‌بندی می‌نمایند، قتل در صدر آن قرار می‌گیرد. از این رو از قدیم الایام در نظام‌های حقوقی مختلف مجازات‌های سنگینی برای مرتکبان این دسته جرایم پیش‌بینی شده است چرا که قتل و خاصه قتل عمد همواره در طول تاریخ از اهمیت شایان توجهی در مباحث حقوقی برخوردار بوده است؛ این اهمیت بدین جهت است که آدمی، چه از منظر فردی و چه از منظر جمعی و ملی، آن را لمس می‌کند و خود را با آن درگیر می‌بیند. اهمیت آن برای جامعه نیز بدین سبب است که امنیت، آرامش، احترام، حقوق انسانی، همگی متأثر از تدوین قوانین مناسب، برخوردار از قدرت اجرایی بالا، متناسب و هماهنگ با هنجارهای حقوقی بین‌المللی و تغییرات سریع موجود در این هنجارها از سوی این مجامع در حوزه احترام به انسان، رعایت شان و شخصیت، توجه به حقوق آن و جلوگیری از هر نوع تعدی به حقوق آن در قالب قتل چه از نوع عمدی و چه غیر عمدی آن است. اما در اینجا این موضوع مطرح می‌شود که آیا هر عملی جرم محسوب می‌شود. از این رو حقوق دانان و قوانین کشورهای تعریف و ارکانی برای جرم در نظر گرفته‌اند. از این رو می‌توان بیان داشت که به لحاظ حقوقی برای آنکه فعل انسانی جرم به شمار آید باید؛ نخست، قانون‌گذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی)؛ دوم، عمل یا ترک عمل مشخص به منزه ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی)؛ سوم، با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی یا معنوی)؛ که با توجه به عنوان این رساله صرفاً بحث رکن مادی قتل عمد مطرح شده است. عنصر مادی جرم یعنی جرم باید فعلیت یابد و وجود خارجی پیدا کند و صرف تصور و اراده‌ای که فعلیت نیافته و یا تهیه مقدمات ارتکاب آن، جرم محسوب نمی‌شود.

از این رو در توضیح ماهیت نقش عنصر مادی در قتل می‌توان بیان داشت که، عنصر مادی معمولاً یک رفتار مجرمانه محسوب می‌شود که به صورت عمدی انجام شده است. این امر شامل یک رفتار فیزیکی می‌شود که صدماتی را به شخص و یا دارایی وی وارد می‌کند. حمله فیزیکی، قتل عمد و یا تخریب اموال عمومی مصداق بارز عنصر مادی هستند. البته کشورها معمولاً حساب اینکه مرتکب با سب تصمیم به چنین عملی مبادرت ورزد یا بدون سب تصمیم، چنین عملی را انجام دهد، میزان و نوع متفاوتی از مجازات را در نظر می‌گیرند از این رو می‌توان بیان داشت نقش رکن مادی در قتل عمد در نظام حقوقی دو کشور ایران و امارات همانند دیگر کشورها پذیرفته شده است اما در نظام حقوقی کیفری ایران که متأثر از فقه امامیه است با حقوق کیفری امارات در این زمینه تفاوت‌های وجود دارد.

از این رو با مطالعات انجام شده چه در قالب پیمایش‌های مطرح شده در فصل کلیات تحقیق و چه مطالعات تطبیقی دیگر در خصوص رکن مادی قتل عمد می‌توان استدلال نمود که قوانین ایران در حوزه رکن مادی قتل عمد بر وجود قوانین حمایتی، با ضمانت اجرایی بالا و هماهنگ با هنجارهای حقوق بین‌المللی در حوزه جرائم و خاصه جرم قتل به عنوان عنصر کلیدی تاکید دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که توجه به روز رسانی قوانین ایران در حوزه قتل عمد، توجه به این نکته که در حوزه قتل عمد ملاک تحقق مسئولیت این باشد که نتیجه حاصله مستند به رفتار ارتكابی و عامل آن باشد، اصلاح رویکرد میزان حداقلی و حداکثری مجازات در حوزه قتل عمد و توجه به این نکته

که ترک فعل همانند فعل می‌تواند عنصر مادی جرم واقع شود نیز از مؤلفه‌های اصلی و ضروری در قوانین ایران می‌باشد. همچنین مطالعات صورت گرفته در حوزه مقایسه حقوق ایران با امارات در بحث رکن مادی قتل عمد، عوامل قانونی و اداری، عوامل اقتصادی، عوامل مربوط به دولت، عوامل فرهنگی را چهار عامل اثر گذار در بعد کلی در حوزه پیشگیری از جرائم خاصه قتل عمد و اعمال مسائلی از جمله: عدم توجه به شرایط قتل از طریق ترک فعل در حقوق ایران، عدم توجه به عنوانی تحت دفاع مسلوب الارادگی (بی اختیاری) و اعمال آن در قانون، عدم توجه به مبانی فقهی از جمله قاعده (درء) و قواعد حقوقی تفسیر به نفع متهم و تفسیر مضیق قوانین جزائی به نفع متهم، عدم توجه به بند ب ماده ۳۶ ق.م.ع در راستای اختلال نسبی در قوه تمیز و اراده در مورد عموم جرایم و عدم توجه به کلیه جرایم خاصه قتل عمد و رکن مادی در قانون ایران زمینه را برای عدم اجرای مناسب قوانین در حوزه جرائم قتل از جمله قتل عمد را فراهم کرده‌اند. لذا بررسی‌های انجام شده حاکی از آنست که اساساً اجرای مناسب قوانین جزائی در یک کشور همبستگی بسیار بالایی با سیاست‌های حقوقی کلی اعمال شده در سطح آن کشور دارد. اگر چه قوانین کیفری، پیشگیرانه و تقنینی مصوب در جهت جلوگیری از قتل و یا حتی مجازات قتل عمد قابل قبول می‌باشد اما با استانداردهای کشورهای امارات از برخی جهات فاصله بسیار دارد. دو مشکل فقدان به روز رسانی قوانین ایران در حوزه قتل همد و فقدان حقوق مدون، مشخص و مستقل از بقیه قوانین و مواضع، تهدیدات جدی نسبت به این موضوع محسوب می‌شوند و در نهایت مبهم و بی ثبات بودن قوانین و مقررات در این حوزه دو ضعف فوق را تکمیل می‌کنند.

بنابراین در جمع‌بندی از مقایسه تطبیقی می‌توان بیان داشت که اولاً در قوانین دو کشور ایران و امارات و بر اساس شریعت اسلامی قتل عمد یکی از بزرگترین گناهان کبیره و بزرگترین جنایات است و طبق آنچه قرآن کریم به آن اشاره کرده است، و سنت موکد آن است، و دانشمندان بر آن اجماع نظر دارند. و مجازات اصلی برای قتل عمدی قصاص است که این موضوع در قوانین دو کشور مشترک و پذیرفته شده است ثانیاً، در بررسی ارکان قتل عمد در قوانین دو کشور می‌توان بیان داشت که در قانون امارات و برای اینکه قتل عمدی صورت گیرد باید دو مولفه زیر حضور داشته باشند: مادی و در قالب کشتن یک انسان در قید حیات نمایان می‌شود و نتیجه حاصله جنایی از این عمل یعنی از بین رفتن روح این شخص و وجود رابطه سببیت بین عمل مجرم و مرگ مقتول. یعنی اراده آزاد مجرم به ارتکاب قتل اختصاص دارد و او از قبل می‌داند که این امر از او صادر می‌شود. به نظر می‌رسد که در قوانین امارات در خصوص قتل عمد عمدتاً از دو رکن مادی و معنوی بحث به میان آمده و رکن قانونی چندان بدان نپرداخته است و یا اگر هم پرداخته باشد در مقایسه با دو رکن دیگر نوعی مجهولیت در آن مشاهده می‌شود، ثانیاً، اگر چه حقوق ایران در بیشتر موارد به ویژه در خصوص مجازات در حوزه قتل عمد و توجه به رکن مادی آن قوی تر و بسیار مستحکم تر از حقوق امارت است اما قانون جزای امارات توجه ویژه‌ای به کلیه جرایم خاصه قتل عمد و رکن مادی آن دارد که جای بسیاری از مواد آن در قانون مجازات اسلامی ایران خالی است. ثالثاً، در نظام حقوقی ایران بر خلاف امارات، با توجه به اینکه رکن مادی قتل از مباحث بسیار مهم در حقوق کیفری ایران می‌باشد قانونگذار به صراحت در ماده ۲۰۶ ق.م.ا. فعل را برای تحقق جرم قتل لازم و ضروری شمرده است. اما در خصوص ترک فعل هیچ تصریحی به میان نیامده است به عبارت دیگر شرایط قتل از طریق ترک فعل در حقوق ایران به طور کلی کمتر متوجه تارک فعل

می‌باشد؛ اما چنانچه شرایطی حاکم باشد، در مواردی می‌توان تارک فعل را به دلیل قتل یا صدمه جسمانی مسوول دانست

لذا پیشنهاد می‌شود تا اولاً بنابراین قانونگذار می‌بایست برای جلوگیری از تشدد آرا، ترک فعل و شرایط آن را در ق.م.ا تصریح کرده و به طور واضح موضع خود را در قانون مشخص نماید. در حقوق ایران بهتر است یک موردی هم در مورد قتل عمد مشدده مانند قتل با سبق تصمیم و قتل با استفاده از وسایل خطرناک یا وسایل خاص پیش بینی شود، تا بتوان آن را با قتل های ساده متمایز ساخت و بنابراین مجازات آن ها نیز می‌تواند با مجازات قتل های ساده متفاوت باشد. مانند کسی که با استفاده از وسایل خطرناک مانند چاقو یا مواد منفجره موجب قتل می‌شود و کسی که با هل دادن موجب قتل دیگری می‌شود، که برای این دو باید مجازات های متفاوتی تعیین شود، ثانیاً، - به نهاد قانون گذاری پیشنهاد می‌شود که ضوابط عمومی ترک فعل را در قسمت کلیات قانون مجازات اسلامی تبیین و به جای قصاص مرتکب در ترک فعل عمدی حبس تعزیری تعیین شود. ثالثاً، همچنین با توجه به برداشتهای متفاوتی که از تبصره ۲ ماده ۲۹۵ می‌شود؛ پیشنهاد می‌شود که نسبت به اصلاح آن مبنی بر این که اشتباه در اعتقاد به مهدور الدم بودن اشتباه موضوعی است نه حکمی، و تاکید صریح این امر در آن توسط مقنن اقدام گردد.

ماده‌ی پیشنهادی در این خصوص: «در صورتی که استحقاق قصاص یا مهدور الدم بودن کسی در دادگاه ثابت شود و شخصی به اشتباه، دیگری را بر این اساس به قتل برساند؛ قتل به منزله‌ی خطای شبیه عمد است. در صورت اثبات ادعای خویش مبنی بر اشتباه موضوعی، قصاص و دیه از او ساقط می‌شود.» و در نهایت نیز کیفیات مخففه مندرج در ماده ۲۲ ق.م.ا که خصوص مجازات های تعزیری و بازدارنده اعلام شده است به نحوی در مورد سایر مجازاتها از جمله قصاص نیز قابل اجرا اعلام شود تا در نتیجه در مواردی که اوضاع و احوال خاصی متهم را تحت تأثیر قرار داده باشد مثلاً مجنی علیه متهم را تحریک کرده یا متهم در مقام دفاع مشروع زیاده روی کرده باشد در نهایت متجاوز را به قتل رسانده باشد بتوان متهم را مشمول کیفیات مخففه نماید.